

An Evaluation of Islamic Monetary Perspectives for Defining the Characteristics of Civilizational Monetary Governance

Mahdi khoshkhooy

Faculty of economics University of Tehran.

Email: khoshkhooy@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Abstract

A key requirement for defining an economy with a civilizational vision is the establishment of a fitting monetary system. Studies on desirable monetary arrangements, especially those by Muslim scholars, indicate that fractional-reserve banking faces multiple challenges and criticisms concerning efficiency, stability, optimal resource allocation, protection of property rights and individual freedom, as well as the promotion of social and human justice. Therefore, designing alternative monetary arrangements appears inevitable. Findings of this study, which evaluates and critiques existing Islamic monetary perspectives and identifies characteristics of a civilizational model of monetary governance, suggest that achieving goals such as “sustainable economic and price stability,” “economic efficiency,” “protection of property rights and individual freedom,” and “elimination of distributive distortions” requires transitioning from a dual-layer monetary system (inside money–outside money) toward a unified monetary system, along with decentralization and the elimination of directive interventions in money creation. This vision necessitates the development of self-regulatory mechanisms and procedures to ensure an endogenous alignment between changes in the monetary sector and the real economy at all times. Such alignment would stabilize prices and equilibrium rates in the long term while preventing the accumulation of systemic risk/debt through a capital market-based financing model. This approach also enables principled, extensive, and sustainable financing for production and the redistribution of proceeds from the creation of new money to all members of society, particularly those in need.

Keywords: Civilizational Monetary Governance, Monetary Creation Arrangements, Fractional-Reserve Banking, Dual Money System, Unified Money Model.

ارزیابی دیدگاه‌های پولی اسلامی با هدف دستیابی به مشخصه‌های حکمرانی پولی تمدنی

مهدی خوشخوی

دانش‌آموخته دکتری اقتصاد دانشگاه تهران.

Email: khoshkhooy@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

چکیده

از مهم‌ترین الزامات تعریف نظام اقتصادی با نگاه تمدنی، تعریف نظام پولی درخور است. از مجموع مطالعات انجام‌شده در حیطه ترتیبات پولی بایسته، به‌ویژه مطالعات اندیشمندان مسلمان، چنین برمی‌آید که بانکداری ذخیره جزئی از منظر تأمین کارآمدی و ثبات، تخصیص بهینه منابع، صیانت از حقوق مالکیت و آزادی افراد و تأمین عدالت اجتماعی و انسانی، با اشکالات و انتقادات عدیده مواجه است و ارائه ترتیبات پولی جایگزین، امری اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. بر اساس نتایج مطالعه حاضر که به ارزیابی و نقد دیدگاه‌های موجود در حیطه ترتیبات پولی اسلامی و احصا و تبیین مشخصه‌های الگوی تمدنی حکمرانی پولی پرداخته است، تحقق مقاصد چون «ثبات پایدار در اقتصاد و قیمت‌ها»، «کارآمدی اقتصادی»، «حفظ حقوق مالکیت و آزادی افراد» و «عدم ایجاد آثار توزیعی» در الگوی مطلوب حکمرانی پولی، مستلزم تغییر از نظام پولی دولایه [پول درونی - پول بیرونی] به سمت نظام پولی یکپارچه و تمرکززدایی و حذف دخالت‌های دستوری در انتشار پول است. تحقق این مقصود نیازمند طراحی سازوکار و رویه‌های خودتنظیم‌گری است که بتواند «تناسب درون‌زای بین تغییرات بخش پولی و بخش واقعی اقتصاد را در همه ادوار» تأمین سازد تا در بلندمدت، قیمت‌ها و نرخ‌های تعادلی در اقتصاد ثبات پیدا کند و با «جلوگیری از انباشت ریسک/پدیده در اقتصاد» از طریق «بازار سرمایه محور شدن تأمین مالی» به مقصود تأمین مالی اصولی، حداکثری و پایدار برای تولید دست یابد. ضمن آنکه می‌توان عواید حاصل از سرمایه‌گذاری پول جدید را به آحاد جامعه، به‌ویژه اقشار فاقد تمکن کافی اختصاص داد.

واژگان کلیدی: حکمرانی پولی تمدنی، ترتیبات خلق پول، بانکداری ذخیره جزئی، الگوی پول

دوگانه، الگوی پول همگن.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹

فصلنامه رهنمون انقلاب اسلامی، سال ۲، شماره ۵، بهار ۱۴۰۴، صص ۶۷-۱۰۶



دسترسی به مقالات نشریه علمی رهنمون انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «رهنمون انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی  CC BY 4.0

Doi: 10.22034/rir.2025.485268.1050

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه رهنمون انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

۱. مقدمه

دستیابی به تمدن اسلامی از طریق طراحی نظامات اجتماعی و انسانی بایسته و در رأس آن نظام اقتصادی درخور را می‌توان از مهم‌ترین اهداف غایی جریان انقلاب اسلامی دانست. طراحی یک نظام اقتصادی، در وهله اول مستلزم تعیین چارچوب سیستم پولی و مالی متناسب با اهداف آن نظام بوده که پیچیده‌ترین بخش هر نظام اقتصادی، به‌ویژه نظامات اقتصادی موجود است.

مباحثات پولی و بانکی از دیرباز در زمره چالشی‌ترین و پیچیده‌ترین مباحث اقتصادی و چه‌بسا مهم‌ترین آن‌ها بوده است و قدمت آن‌ها به چندین سده می‌رسد. در ادوار مختلف تاریخ اقتصادی، درنهایت این نظام پولی و بانکداری ذخیره جزئی بوده که بر اساس مناسبات حاکم بر اقتصاد سیاسی جوامع تسلط و رواج یافته است؛ هرچند از منظر تخصصی و فنی اشکالات و نقدهای متعددی تاکنون نسبت به این نظام پولی از ناحیه اندیشمندان اقتصادی مطرح شده است؛ از جمله اینکه افزایش بی‌ثباتی و نوسانات در اقتصاد، نقض و تهدید حقوق مالکیت، بروز آثار توزیعی سوء (از جمله به‌واسطه کاهش ارزش پول یا مالیات تورمی و اختلال در قیمت‌های نسبی)، ناکارآمدی در تخصیص منابع، بروز بی‌عدالتی‌های سیاسی و اجتماعی، آثار نامطلوب فرهنگی و اجتماعی (از جمله نقض اصول اخلاق انسانی و اجتماعی، رواج روحیه سفته‌بازی و فعالیت‌های نامولد، ترویج روحیه مصرف‌گرایی و اهمال و بی‌توجهی نسبت به توسعه پایدار) و ... را در پی دارد.

بر همین اساس اندیشمندان اسلامی در مواجهه با نظام پولی و بانکی متعارف و ارائه ترتیبات پولی بدیل، دیدگاه‌های مختلفی را مطرح کرده‌اند. این مطالعه بر آن است تا دیدگاه‌های موجود، در حیطه ترتیبات پولی اسلامی را ارزیابی و نقد کند و سپس به احصا و تبیین مشخصه‌های الگوی تمدنی حکمرانی پولی مبتنی بر شاخصه‌های طرح‌شده بپردازد. با این هدف، در بخش دوم دیدگاه‌های مطرح در بین اندیشمندان اسلامی در حیطه ترتیبات پولی اسلامی ارزیابی می‌شود؛ در بخش سوم ضمن ارائه دسته‌بندی جدید، از ترتیبات پولی مطرح، جایگیری طرح‌های پولی اسلامی در این دسته‌بندی‌ها ارائه می‌گردد [جدول ۱] و در پایان، پس از بررسی نهایی و نقد الگوهای پولی برتر، مشخصه‌های حیاتی الگوی تمدنی حکمرانی پولی از منظر مطالعه حاضر

احصا و تبیین می‌گردد و سرانجام نتیجه‌گیری و جمع‌بندی نکات و نتایج کلیدی مطالعه به انجام می‌رسد.

۲. ارزیابی دیدگاه‌های موجود در حیطة ترتیبات پولی اسلامی

با توجه به اشکالات ذاتی عدیده نظام پولی ذخیره جزئی که از دیرباز مطرح بوده است، طرح‌های پولی جایگزین متعددی در سده‌های اخیر ارائه شده و در این زمینه، اندیشمندان اقتصادی مسلمان هم مطالعاتی انجام داده و به توصیف و تحلیل شاخصه‌ها و اهداف اصلی نظام پولی اسلامی و ترتیبات بایسته خلق پول برای آن پرداخته‌اند. مطالعات و نظریات اقتصاددانان مسلمان در این حوزه را می‌توان در یکی از سه دسته زیر جای داد:

۱) مطالعات و نظریه‌هایی که با خلق پول بانکی (موسوم به خلق پول درونی)^۱

موافق هستند؛

۲) مطالعات و نظریه‌هایی که با خلق پول بانک‌ها مخالف هستند؛

۳) مخالفان هرگونه خلق «پول دستوری»^۲.

در ادامه با هدف احصا و تبیین مشخصه‌های کلیدی الگوی تمدنی حکمرانی پولی، هر یک از این نظریه‌ها ارزیابی و نقد می‌شود.

۲-۱. ارزیابی دیدگاه موافقان خلق پول بانکی (نرخ ذخیره جزئی)

موافقان خلق پول بانکی یا خلق پول درونی در اقتصاد به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ تعدادی از اندیشمندان حوزه پول و بانکداری اسلامی، به‌طور مطلق و بدون هیچ قید و شرطی ناظر به ترتیبات متعارف خلق پول، همراهی می‌کنند و آن را کاملاً سازگار با مبانی اسلامی می‌دانند. برخی هم قائل به لزوم اعمال محدودیت بیشتر در خلق پول بانک‌ها و تعیین قید و شرط بیشتر برای آن هستند و در شرایط خاصی خلق پول خصوصی توسط نهاد بانک در اقتصاد را از منظر اسلامی جایز می‌شمارند. در ادامه نظر این دو گروه ارزیابی می‌شود.

۲-۱-۱. حامیان نرخ ذخیره قانونی متعارف

^۱ Inside Money: پول منتشرشده توسط واسطه‌های خصوصی (نظیر بانک‌های تجاری) در قالب بدهی (اعتبار).

^۲ Fiat Money

در بین مطالعات حوزه نظام پولی اسلامی، معدود مطالعاتی نظیر حسن^۱ (۲۰۰۸) و (۲۰۱۱)، چپرا^۲ (۱۹۸۵)، صدیقی^۳ (۱۹۹۲)، توتونچیان (۱۳۷۹) و درودیان (۱۳۹۴) به جواز مطلق خلق سپرده بانکی (خلق پول درونی) در اقتصاد قائل‌اند. به‌ویژه اینکه انتقادات جدی و متعددی، حتی از ناحیه اقتصاددانان غیرمسلمان از منظر شاخصه‌های عدالت و اخلاق انسانی و نیز کارآمدی، نسبت به نظام پولی ذخیره جزئی وارد شده است و به‌طریق‌اولی، از منظر محققان اسلامی نیز مسئله خلق پول متعارف بانکی و بهره‌مندی خصوصی از امتیازات خلق پول اعتباری، در قبال تحمیل ریسک و هزینه آن به عموم مردم، محل ایراد و اشکال بوده است. در ادامه به بررسی و نقد استدلال‌های «قائلین به جواز خلق پول بانکی» یا «حامیان بانکداری متعارف» می‌پردازیم.

این باور حسن (۲۰۰۸) که «فرایند خلق پول به علت نیازمندی‌های اقتصادی جامعه ضروری است»، در کل قابل تصدیق است؛ اما مسئله اصلی این است که خلق پول با چه سازوکار و به دست چه فرد یا افرادی صورت پذیرد. هرچند وی قائل است به اینکه «این فرایند نیازمند قاعده‌گذاری و کنترل از حیث اندازه (درجه خلق پول)، جهت‌گیری (مقاصد خلق پول) و نسبت نفع‌بری بانک و جامعه است»، این عبارات باز هم پاسخگوی انتقادات وارد بر اعطای امتیاز خلق پول به بخش خصوصی نیست و درباره آن ساکت است.

این گزاره که آنچه بحران به وجود می‌آورد، خلق پول و اعتبار نیست، بلکه مدیریت ناصحیح آن است (حسن، ۲۰۱۱) نیز به‌نوعی خلط بین اصل مقوله «خلق پول (افزایش حجم پول) در اقتصاد» و «روش خلق پول» است. به عبارت دیگر، بحث منتقدان نظام پولی ذخیره جزئی، این نیست که اساساً پول در اقتصاد خلق شود یا خیر؛ بلکه ناظر به این است که خلق پول اعتباری بانک‌های خصوصی در اقتصاد تا چه حد از منظر شاخصه‌ها و مبانی اسلامی موجه و قابل تأیید است.

^۱ Hasan, Zubair

^۲ Chapra

^۳ Siddiqi, M. Nejatullah

در مجموع به نظر می‌رسد انگاره مفروض مطالعاتی نظیر حسن (۲۰۰۸ و ۲۰۱۱)، عمر چپرا (۱۴۰۱ ق) و صدیقی (۱۹۹۲) نسبت به پدیده خلق پول بانکی متعارف این است که اگر بنا بر پذیرش اصل موضوع خلق پول در اقتصاد باشد، تنها سازوکار ممکن برای آن، نظام مبتنی بر بانکداری ذخیره جزئی است و به عبارتی، نقد یا رد خلق پول بانکی، از منظر ایشان به معنای رد اصل خلق پول در اقتصاد است. این در حالی است که بطلان این مدعا بر اساس مباحث و مطالعات ادبیات نظری حوزه خلق پول، واضح و آشکار است. ایراد اساسی دیگر بر این دست از مطالعات که ناظر به آموزه‌های اسلامی صورت گرفته، نپرداختن به آثار خلق پول بانکی در تحلیل مسئله خلق پول است که منجر شده به اینکه به‌طور ضمنی در طرح پیشنهادی خود امکان خلق پول برای بانک را بدون پرداختن به پیامدهای آن در نظر بگیرند.

در این میان مطالعاتی نظیر مطالعه توتونچیان (۱۳۷۹) به انجام رسیده که عمده توجه و تأکیدشان در طراحی نظام پولی اسلامی، بر مسئله ماهیت قراردادهای و مقابله با ربا در سیستم بانکی متعارف است و نسبت به ترتیبات خلق پول و نرخ ذخیره قانونی در نظام پول متعارف، موضع خاصی را اتخاذ نمی‌کنند. درباره این قبیل مطالعات که بیشتر در زمره مطالعات متقدم قرار می‌گیرند، می‌توان گفت، این موارد عموماً تحت تأثیر گفتمان و مباحثات غالب معاصر خود در حوزه نظام پولی اسلامی انجام شده و موضع‌گیری و طرح بحث کمتری نسبت به ترتیبات رایج خلق پول از منظر ملاحظات اسلامی ایراد کرده‌اند. توتونچیان (۱۳۷۹) در مطالعه خویش، درباره آسیب‌های احتمالی ناظر به خلق پول بانکی از منظر آموزه‌ها و اصول اسلامی سکوت کرده و به‌نوعی آن را مغفول گذاشته است. نظر به مطالعات متعدد ناظر به این جنبه مهم از نظام پولی، به‌ویژه در دوره‌های اخیر، به نظر می‌رسد ضرورت توجه به مقوله خلق پول بانکی در مطالعات اسلامی امری واضح است. از این‌رو آن دسته از مطالعات در حوزه نظام پولی اسلامی را که صرفاً به مقوله ربا و عقود (قراردادهای) بانکی پرداخته‌اند، باید از این حیث مورد نقص و اشکال جدی دانست.

درودیان (۱۳۹۴) از منظر معیار عدالت، در هر دو معنای «برابری در فرصت‌ها» و «توازن در نتایج»، خلق پول بانکی را به جهت اتکای به امتیازات تبعیض‌آمیز و نیز آثار توزیعی منفی، مردود ارزیابی می‌کند، با وجود این، امکان همسوسازی آن با

اغراض اقتصادی دین را مطرح می‌نماید؛ با این توضیح که باید هدف از خلق پول، بهره‌برداری از ظرفیت‌های توسعه‌ای پول و هدایت خلق پول به سمت سرمایه‌گذاری در اقتصاد باشد؛ اما دربارهٔ تحلیل و نتایج این مطالعه، این پرسش مهم قابل طرح است: در وضعیتی که خلق پول بانکی، به‌زعم ایشان منجر به نابرابری در فرصت‌ها و عدم توازن در نتایج می‌شود، چگونه می‌توان کارکرد آن را در نظام پولی اسلامی، حتی با فرض جبران بخشی از آثار توزیعی منفی، از طریق سیاست‌های پولی و مالی دولت (که این مدعا نیز خود محل بحث است) توجیه و تجویز کرد؟ البته باید در نظر داشت که این مطالعه، عمدتاً یک بررسی و نگاه عمل‌گرایانه (منفع‌لانه) و نه اسلامی (مبنایی) نسبت به پدیدهٔ خلق پول بانکی و ترتیبات بایسته برای آن در نظام پولی را مطرح می‌کند؛ ضمن اینکه در همین بررسی عمل‌گرایانه خود صرفاً به ذکر ایده کلی می‌پردازد و دربارهٔ جزئیات و روش اجرای این ایده در نظام پولی بحثی به میان نمی‌آورد؛ از جمله اینکه چگونه می‌توان:

- امکان هرگونه سوءاستفادهٔ شخصی و بهره‌برداری بانک‌ها از منافع خلق پول در خلاف جهت منافع عمومی را از بین برد؛
- این ضمانت را به وجود آورد که هرگونه خلق پول، صرفاً در جهت مقاصد تولیدی و سرمایه‌گذاری در اقتصاد صورت پذیرد؛
- منافع و عایدی حاصل از تولیدات متکی بر خلق پول جدید را با نسبتی عادلانه به افراد ذی‌حق در جامعه اختصاص داد؛
- و ...

۲-۱-۲. حامیان نرخ ذخیره قانونی میانه (بالا تر از نرخ متعارف)

در میان مطالعات محققان مسلمان که به انتقاد از ترتیبات پولی متعارف و نرخ ذخیره قانونی در آن پرداخته‌اند، کمتر مشاهده می‌شود که به ضرورت محدودتر کردن - و نه ممنوعیت کامل - خلق پول بانکی و تعریف نرخ ذخیره قانونی میانه (بیشتر از نرخ ذخیره جزئی متعارف و کمتر از نرخ ذخیره کامل) برای حساب‌های دیداری قائل باشند. اکثر محققان اسلامی بحث لزوم اعمال نرخ ذخیره کامل را برای این سپرده‌ها مطرح می‌کنند؛ با وجود این برخی همچون میرمعزی (۱۳۸۴) و موسویان و نظری (۱۳۹۲) نظریهٔ نرخ ذخیره کمتر از ۱۰۰٪ و بیشتر از نرخ متعارف را برای حساب‌های دیداری مطرح کرده‌اند. البته به نظر می‌رسد علت این نوع نظریه‌پردازی دربارهٔ

نرخ ذخیره قانونی، تفاوت تصور ایشان است، از آنچه به‌عنوان ذخایر بانک‌ها نزد بانک مرکزی از آن یاد می‌شود، با آنچه در واقعیت جاری و ساری است. این دسته از مطالعات عموماً محدوده مشخصی از نرخ ذخیره قانونی را برای سپرده‌های دیداری بیان نکرده و تنها به ذکر عباراتی کلی در این باب بسنده کرده‌اند.

میرمعزی (۱۳۸۴) به‌طور شفاف توضیح نداده که اجزای الگوی پیشنهادی‌اش، چگونه کمک می‌کند به تأمین ملاحظات و شروطی که در خصوص پول بیان کرده است. در الگوی پیشنهادی او بانک‌ها امکان خلق پول دارند و نرخ ذخیره قانونی برای سپرده‌های قرض‌الحسنه و سپرده‌های سرمایه‌گذاری صفر تعیین شده و این نرخ برای سپرده‌های دیداری نیز ۱۰٪ نیست. به‌باور او اعمال نرخ ذخیره ۱۰٪ برای حساب‌های بانکی به معنای بلوکه کردن ذخایر (نقدینگی) در اقتصاد و در نتیجه، امری مذموم خواهد بود که باید تا حد امکان از آن صرف‌نظر کرد. از طرف دیگر ذخایر مازاد بانک‌ها نزد بانک مرکزی را بخشی از نقدینگی جامعه قلمداد می‌کند که باید کنترل آن در دست بانک مرکزی باشد و در جهت منافع جامعه مدیریت و صرف شود. چنین نگاهی نشان می‌دهد که در نگاه محقق، خلطی بین مفهوم نقدینگی (سپرده بانکی) و ذخایر (سپرده بانک مرکزی) صورت گرفته است؛ به‌گونه‌ای که برای دومی، همان کارکرد اولی را در اقتصاد متصور است. از این‌رو به نظر می‌رسد طرح پولی میرمعزی (۱۳۸۴) نه‌تنها در تأمین اهداف ذکرشده برای آن (به‌ویژه تعیین حجم پول متناسب با نیازهای اقتصاد و توزیع عادلانه سود حاصل از خلق پول) تضمینی ندارد، بلکه با واقعیت‌های سازوکارهای عملیاتی نظام پولی متعارف نیز فاصله دارد؛ چراکه این طرح عملاً در امتداد نظام پولی متعارف و در همان چارچوب تعریف و پیش‌بینی می‌شود عملکرد و پیامدهایی مشابه همان را برای اقتصاد داشته باشد.

موسویان و نظری (۱۳۹۲) نیز همچون میرمعزی، پیشنهادهایی را طرح می‌کنند که به دلیل تصور ناقص از سازوکارها و فرایند خلق و محو پول در سیستم بانکی، محل ایراد و اشکال است. از منظر ایشان خلق پول تنها در حوزه سپرده‌های دیداری مذموم است و چنانچه در سپرده‌های قرض‌الحسنه یا سپرده‌های سرمایه‌گذاری صورت گیرد، آن آثار نامطلوب را نخواهد داشت. درحالی‌که تخصیص وجوه (ذخایر) ناشی از سپرده

های مدت‌دار برای اهداف سرمایه‌گذاری، تنها از طریق اعطای تسهیلات یا خرید کالاهای واسطه‌ای صورت می‌گیرد که به خلق سپرده دیداری می‌انجامد. خلق سپرده مدت‌دار، به معنای خلق نقدینگی (از طریق خلق شبه پول) است، اما خود به تنهایی به معنای خلق پول در گردش در اقتصاد نیست که بتوان آن را صرف امور سرمایه‌گذاری و تولید کرد؛ بلکه در معنای دقیق‌تر - همان‌طور که در ادامه توضیح داده می‌شود - در نظام بانکداری متعارف با کارکرد تعریف‌شده، خلق سپرده مدت‌دار به معنای محو پول در گردش در اقتصاد (از طریق سپرده‌گذاری مدت‌دار) و خلق مجدد آن در قالب سپرده دیداری جدید، به‌منظور تخصیص اعتبار مربوطه به مقاصد موردنظر بانک خواهد بود که می‌تواند مقاصد تولیدی یا غیر آن باشد. از این‌رو افزایش نرخ ذخیره قانونی برای سپرده‌های دیداری و کاهش توأمان آن برای سپرده‌های مدت‌دار، به معنای الزام بانک به تخصیص بیشتر وجوه خود در حوزه سرمایه‌گذاری و تولید و تغییر رفتار آن نخواهد بود. به‌ویژه اینکه در نظام بانکی، تفکیک ذخایر مربوط به حساب‌های مدت‌دار و ذخایر مرتبط با حساب‌های دیداری، امری انتزاعی است و در عمل، این استخر وجوه (ذخایر) یک بانک است که تعیین می‌کند تا چه حد بتواند به بسط اعتبار و تسهیلات (خلق پول) بپردازد.

از طرف دیگر، این پرسش پیش می‌آید که اگر اعمال نرخ ذخیره در سپرده‌های مدت‌دار مطلوب نیست، چرا نرخ ذخیره صفر برای آن در نظر گرفته نشود؟ در مقابل اگر اعمال نرخ ذخیره برای سپرده‌های دیداری مطلوب است، چرا نرخ ذخیره کامل برای آن لحاظ نشود؟ پاسخ به این پرسش‌ها خود نقدهایی جدی به نتایج مطالعات یادشده وارد خواهد کرد.

۲-۲. ارزیابی دیدگاه مخالفان خلق پول بانکی (حامیان نرخ ذخیره)

(کامل)

در نقطه مقابل مطالعات پیش‌گفته، مطالعاتی هم به ضرورت ممانعت از خلق پول بانک‌ها تأکید می‌کنند. به اعتقاد این محققان، آثار و پیامدهای خلق پول خصوصی در هر شرایطی، با اهداف و اصول نظام پولی اسلامی در تعارض قرار می‌گیرد. بر این اساس، این دسته از مطالعات را می‌توان کوششی در جهت تغییر پارادایم پولی حاکم و حرکت به سمت پارادایمی جدید و متفاوت در حوزه ترتیبات خلق پول دانست.

بیشتر طرح‌های پیشنهادی محققان اسلامی در این زمینه شباهت و قرابت زیادی با طرح‌های بدیل اقتصاددانان دگراندیش دارد. از این جهت به نظر می‌رسد اصول مدنظر ایشان در طراحی نظام پولی اسلامی، اصولی کلی و فراگیر است که از دهه‌ها پیش، مورد توجه و تکیه بسیاری از اقتصاددانان غیرمسلمان نیز بوده است؛ به گونه‌ای که نتایج حاصل از مطالعات هر دو گروه و طرح‌های پولی پیشنهادی آن‌ها هم‌پوشانی زیادی دارد.

در میان مطالعات حوزه نظام پولی اسلامی، مخالفان خلق پول بانک‌ها را می‌توان در سه دسته کلی زیر قرار داد:

۱. قائلین به حفظ چارچوب نظام پولی دوگانه؛
۲. قائلین به لزوم تغییر و اصلاح نظام پولی دوگانه؛
۳. مطالعات فاقد چارچوب پیشنهادی برای چگونگی حذف خلق پول بانکی.

در ادامه نمونه‌هایی از این مطالعات، در هر سه گروه معرفی و ارزیابی می‌شود.

۲-۱. قائلین به چارچوب پول دوگانه (درونی - بیرونی)

مطالعاتی نظیر خان^۱ (۱۹۸۶)، میرآخور (۱۳۷۳)، قحف (۱۳۷۶) و الجارحی^۲ (۲۰۰۴) در طرح پیشنهادی خود، نرخ ذخیره ۱۰۰٪ را تنها برای حساب‌های دیداری پیشنهاد کرده و در معرض این نقد قرار گرفته‌اند که به علت عدم تعمیم نرخ ذخیره کامل به تمامی سپرده‌ها و حساب‌های بانکی و بی‌توجهی به امکان خلق پول توسط سپرده‌های مدت‌دار، نتوانسته‌اند برای مسئله کنترل خلق پول بانکی و پیشگیری کامل از آن تضمین جامعی ارائه کنند. حسینی دولت‌آبادی (۱۳۹۴) در بیان اشکال نسبت به برخی طرح‌های پیشنهادی همچون خان (۱۹۸۶) و میرآخور (۱۳۷۳) بیان می‌کند در رویکرد ضریب فزاینده به خلق پول بانک‌ها که توتونچیان، خان و میرآخور در چارچوب آن، فعالیت بانک‌ها را تحلیل می‌کنند، اگر چه خلق پول بانک از محل سپرده‌های دیداری با توجه به ذخیره ۱۰۰ درصدی محدود خواهد شد، اما با توجه به صفر بودن نرخ ذخیره قانونی سپرده‌های سرمایه‌گذاری، بانک مبتنی بر این سپرده‌ها خلق پول خواهد داشت که آثار آن تفاوتی با خلق پول مبتنی بر سپرده‌های

^۱ Khan, M

^۲ Al-Jarhi, Mabitd

دیداری در شرایطی که نرخ ذخیره کمتر از ۱۰۰٪ است، نخواهد داشت (حسینی دولت‌آبادی، ۱۳۹۴). دربارهٔ ایراد طرح‌شده باید گفت، گذشته از اینکه آیا این محققان در چارچوب نگاه ضریب فزاینده‌ای به خلق پول بانکی به بیان موضع و نظر خود پرداخته‌اند یا خیر، به نظر می‌رسد اشکال واردشده به نرخ ذخیره قانونی سپرده‌های مدت‌دار صحیح نبوده و از نگاه یکنواخت و یکسان به اجزاء نقدینگی (سپرده‌های بانکی) نشئت گرفته است. توضیح اینکه، آنچه در تحلیل خلق پول بانکی و آثار آن اهمیت دارد، خلق پول در گردش (سپرده‌های دیداری) است، نه خلق شبه پول (سپرده‌های مدت‌دار). به عبارتی باید بین دو پدیدهٔ «خلق پول بانکی» و «خلق سپردهٔ بانکی» تفاوت قائل شد.

بر اساس دغدغهٔ بسیاری از اقتصاددانان پولی مسلمان مبنی بر لزوم پیشگیری کامل از خلق پول (خلق قدرت خرید) از هیچ توسط بانک‌ها، باید توجه داشت که تحقق این مسئله تنها مستلزم کنترل بر حساب‌های دیداری بانک‌ها و ایجاد محدودیت و قید بر روی آن‌ها با هدف سلب قدرت خلق پول از بانک است؛ زیرا آنچه به‌عنوان معیار سنجش و ذخیره ارزش و نیز واسطهٔ مبادله در بین مردم در حال دست‌به‌دست شدن و گردش است، ارقام درج‌شده در حساب‌های دیداری بانک‌هاست (به غیر از اسکناس و مسکوک که پول مخلوق بانک مرکزی است) و نه آنچه در حساب‌های مدت‌دار ثبت شده است. به همین دلیل، در تحلیل مسئله خلق پول بانکی، آنچه باید مورد توجه و تأکید قرار گیرد، نقدینگی (مجموع سپرده‌های بانکی) نیست، بلکه پول (سپرده‌های دیداری) است. وجوه سپرده‌گذاری‌شدهٔ مدت‌دار نزد بانک، عموماً پس از گشایش سپردهٔ مدت‌دار، از طریق اعطای وام و تسهیلات بانکی (ایجاد یا افزایش سپرده‌های دیداری) در اختیار سرمایه‌گذاران یا وام‌گیرندگان قرار می‌گیرد.

در حالت عادی که سیستم بانکی از وضعیت سالم و عملکرد صحیح برخوردار است و سودهای پرداختی به سپرده‌های مدت‌دار ناشی از عملکرد سودآور و حقیقی بانک است، ایجاد هر سپردهٔ جدید مدت‌دار یا افزایش آن توسط افراد، به معنای ایجاد ظرفیت جدید اعطای وام (خلق پول یا سپرده دیداری) حداقل به همان مقدار در سیستم بانکی است. به عبارت دیگر، ایجاد یا افزایش سپردهٔ مدت‌دار، تنها با پرداخت وجوه (پول) توسط افراد به سیستم بانکی میسر خواهد بود که به‌نوعی، «محو پول»

در اقتصاد محسوب می‌شود؛ چراکه پول در دست مردم را از گردش خارج کرده، به سیستم بانکی عودت می‌دهد. در این میان، بانک با انتقال وجوه (ذخایر) دریافتی از طریق حساب‌های مدت‌دار، به حسابی دیداری (ایجاد یک حساب دیداری به همان میزان) به منظور اعطای وام، اقدام به خلق پول در اقتصاد می‌نماید. حال اگر بانک دقیقاً معادل وجوه دریافتی در حساب مدت‌دار اقدام به اعطای وام و تسهیلات (ایجاد حساب دیداری) کند، «خلق پول از هیچ»^۱ محسوب نشده و به پشتوانه ذخایر دریافتی از محل حساب‌های مدت‌دار صورت پذیرفته است (در این حالت، بانک نقش به‌واسطه مالی صرف را ایفا می‌کند)؛ اما اگر مبلغ وام اعطایی از محل وجوه دریافتی در سپرده‌های مدت‌دار بیش از این وجوه باشد، بانک به همان میزان، خلق پول از هیچ صورت داده است.

در این میان، پاسخ این پرسش که «بانک چه زمانی می‌تواند بیش از میزان ذخایر دریافتی و جدید خود (چه از محل حساب‌های مدت‌دار و چه از محل حساب‌های دیداری انتقالی از سایر بانک‌ها) خلق اعتبار کند و چه عاملی در تعیین آن مؤثر است؟» یک کلام است: «نرخ ذخیره قانونی حساب‌های دیداری». بسته به میزان این نرخ، قدرت خلق پول از هیچ بانک، قابل محدودیت یا بسط است. طبیعی است که با فرض وجود نرخ ذخیره ۱۰۰٪ برای حساب‌های دیداری، امکان خلق پول از هیچ (اعطای وام و هرگونه پرداختی، بیش از ذخایر دریافتی جدید) برای بانک از بین می‌رود. از این رو کنترل خلق پول بانکی نیازمند وضع محدودیت در جانب پرداختی‌های بانک - اعم از اعطای تسهیلات، خرید دارایی، پرداخت حقوق و هزینه‌ها - خواهد بود که خود از طریق حساب‌های دیداری صورت می‌گیرد. تحقق این مسئله نیز منوط به وضع نرخ ذخیره قانونی مناسب بر سپرده‌های دیداری خواهد بود که برای کنترل کامل خلق پول بانکی، همان نرخ ۱۰۰٪ است.

باید توجه داشت تمام موارد پیش‌گفته با این فرض است که بین حساب‌های مدت‌دار و دیداری، در عمل تمایز وجود داشته باشد؛ به این معنا که امکان تبدیل و تغییر کارکرد حساب مدت‌دار به حساب دیداری و استفاده جاری از آن منتفی بوده و از جمله، امکان تسویه مالی از طریق حساب‌های مدت‌دار وجود نداشته باشد. به‌عنوان

^۱ ex nihilo money creation

مثال اینکه افراد بتوانند با انتقال مبلغی از حساب مدت‌دار خود در یک بانک به حساب مدت‌دار فرد دیگر در همان بانک اقدام به تسویه حساب کنند، هرچند از جهت نیاز به ذخایر برای بانک، مشکلی ایجاد نمی‌کند، اما به حساب‌های مدت‌دار (شبه پول)، کارکرد پول داده و همین خود به معنای ایجاد پولی جدید در اقتصاد از هیچ (بدون نیاز به پشتوانه ذخایر بانک مرکزی) خواهد بود. از جهت دیگر، مسئله چگونگی تعیین نرخ ذخیره قانونی برای انواع سپرده‌های بانکی هم قابل بررسی است. با توجه به توضیحات پیشین، هرگونه وضع نرخ ذخیره قانونی برای حساب‌های مدت‌دار، به معنای جلوگیری از واسطه‌گری مالی بانک به همان نسبت خواهد بود. به عبارتی، وضع نرخ ذخیره قانونی برای سپرده‌های مدت‌دار، موجب محدود کردن سرمایه‌گذاری و اعطای اعتبار با پشتوانه در اقتصاد به همان نسبت خواهد شد که نوعی حبس پول و جلوگیری از گردش آن در اقتصاد محسوب می‌شود. از این‌رو وضع نرخ ذخیره قانونی (هرچند اندک) بر روی سپرده‌های مدت‌دار، با هدف کنترل و محدود کردن قدرت خلق پول بانکی، عملی ناپجا و اشتباه به شمار می‌رود و ناشی از درک ناصحیح نسبت به سازوکار خلق پول بانکی و به‌نوعی خلط میان مفهوم و کارکرد پول و نقدینگی (مجموع پول و شبه پول) در اقتصاد است.

در چارچوب پیشنهادی خان (۱۹۸۶) و میرآخور (۱۳۷۳) امانت دانستن سپرده‌های دیداری نزد بانک‌ها در مدل مطلوب، باعث می‌شود که بانک حق تصرف در آن را نداشته باشد که این مسئله با ارتکاز ذهنی مردم نیز هماهنگی دارد (دولت‌آبادی، ۱۳۹۴).

بنابراین، نظر محققانی چون خان (۱۹۸۶)، میرآخور (۱۳۷۳) و الجراحی (۲۰۰۴) مبنی بر لزوم تمایز میان سپرده‌های دیداری و مدت‌دار در تعیین نرخ ذخیره قانونی، صحیح به نظر می‌رسد، هرچند ممکن است تبیین آن‌ها از برخی فرایندها و سازوکارهای حاکم بر نظام بانکی متعارف محل اشکال^۱ باشد. این نکته‌سنجی و تمایز

^۱ در الگوهای پیشنهادی خان (۱۹۸۶)، میرآخور (۱۳۷۳)، الجراحی (۲۰۰۴) و همچنین الگوی توتونچیان (۱۳۷۹)، نحوه تعامل میان بانک مرکزی با بانک‌ها، به‌ویژه رابطه میان پول بانکی (پول سپرده‌ای) و ذخایر بانک مرکزی و نیز امکان استقرار ذخایر از بانک مرکزی توسط بانک‌ها - که تعیین‌کننده چارچوب اصلی خلق پول بانک‌ها است - به‌خوبی تبیین نشده است.

ماهوی میان سپرده‌های مدت‌دار و دیداری تا حدی در مطالعه بخشی‌دستجردی و همکاران (۱۳۹۸) دیده شده است. آن‌ها بر این باورند که نوع عملکرد و فعالیت نهاد بانک در جذب سپرده، اعطای وام و خلق پول درونی می‌تواند اقتصاد را با چالش‌های بالقوه‌ای مواجه سازد و عدم تعادل‌های بخش پولی را به بخش واقعی اقتصاد تسری دهد. نتایج حاصل از طراحی سناریوهای مختلف در این پژوهش نشان می‌دهد که افزایش نرخ ذخیره قانونی سپرده‌های کوتاه‌مدت [دیداری] تا مرز ۱۰۰٪ و حذف قدرت وام‌دهی بانک‌ها از محل این نوع سپرده‌ها و نیز تعیین یک نرخ تعادلی ذخیره قانونی در ازای سپرده‌های بلندمدت توسط بانک مرکزی، قدرت خلق پول بانک‌ها را کاهش داده، به ایجاد ثبات در عرضه پول، میزان قیمت‌ها و هزینه‌های تولید در درازمدت منجر می‌گردد.

بر این اساس، تفاوت سپرده‌های کوتاه‌مدت و سپرده‌های بلندمدت در این است که بانک‌ها باید از سپرده‌های بلندمدت برای وام دادن استفاده کنند و با این فرض که تمام وام‌ها به سرمایه‌گذاری تبدیل می‌شود، این نوع وام‌ها می‌توانند منجر به افزایش سرمایه و نهایتاً افزایش تولید و عرضه واقعی کالا و خدمات گردد. پس می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش وام بانکی از محل سپرده‌های مدت‌دار، سرمایه‌گذاری بیشتر می‌شود. لکن باید به این نکته توجه کرد که وام بانکی به دلیل اینکه به ازای هر واحد عرضه، چندین واحد تقاضا ایجاد می‌کند، باعث خلق پول و در نتیجه افزایش عرضه پول در جامعه می‌شود و فرقی نمی‌کند که وام، از محل سپرده‌های مدت‌دار و یا از محل سپرده‌های دیداری اعطا شود. پس همان‌طور که ذخیره قانونی در ازای سپرده‌های کوتاه‌مدت نگهداری می‌شود، باید در ازای سپرده‌های مدت‌دار نیز ذخیره قانونی نگهداری شود تا قدرت وام‌دهی بانک کمتر شود. لکن تفاوت سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت در این است که سپرده‌های بلندمدت باعث افزایش سرمایه نیز می‌شوند و باید یک نرخ ذخیره قانونی تعادلی برای آن تعیین کرد به طوری که هم سرمایه‌گذاری در جامعه کاهش نیابد و هم سطح عمومی قیمت‌ها بالا نرود (بخشی‌دستجردی و همکاران، ۱۳۹۸) البته این مطالعه باید به این پرسش و تناقض پاسخ دهد که اگر سپرده‌های مدت‌دار، سرمایه‌گذاری یا اعطای تسهیلات را در اقتصاد تقویت و هدف‌گذاری می‌کنند، دیگر تعیین نرخ ذخیره تعادلی برای آن‌ها چه معنایی

خواهد داشت؟ به عبارتی، سپرده‌های مدت‌دار تنها تأمین‌کنندهٔ ذخایر برای بانک‌ها جهت اعطای تسهیلات و پرداخت‌های بانک‌ها (خلق سپرده دیداری) خواهند بود. آنچه محل اشکال است، خلق بیش از یک برابری سپرده دیداری (پول) از مقدار مشخصِ ذخایر نزد بانک است؛ پس آنچه باید محل قیدگذاری و تحدید قرار گیرد، فرایند پرداخت وجه یا خلق سپرده دیداری توسط بانک‌هاست و نه فرایند دریافت وجه یا خلق سپرده مدت‌دار. در یک کلام، در یک فرایند سالم بانکداری، خلق سپردهٔ مدت‌دار به معنای دریافت (محو) پول توسط بانک و خلق سپرده دیداری به معنای پرداخت (خلق) پول در اقتصاد است.

البته گفتنی است که وضع نرخ ذخیرهٔ تعادلی برای سپرده‌های مدت‌دار، در دو حالت توجیه خواهد داشت:

- ۱) به‌منظور کاهش ریسک نقدینگی بانک در شرایطی که بخشی از پس‌اندازکنندگان طی یک تصمیم هم‌زمان اقدام به خارج کردن وجوه خود از حساب‌های مدت‌دار نزد بانک نمایند؛ هرچند به هر نسبت که مدیریت عملکرد بانک و نیز نظارت بر آن از سوی ناظر بانکی، صحیح، دقیق و کارآمد صورت گیرد، نیاز به این ذخیره‌گیری در بانک مرکزی کاهش خواهد یافت.
- ۲) در حالت وجود انحراف در کارکرد حساب‌های مدت‌دار، از جمله مواردی که سطحی از کارکرد پولی، هر چند محدود (امکان پرداخت و تسویه بین افراد) برای سپرده‌های مدت‌دار در یک اقتصاد پدیدار گردد که در این صورت لازم است نسبت به ذخیره‌گیری از این سپرده‌ها به همان نسبت اقدام شود؛ البته صحیح آن است که با اصلاح ضوابط و ساختارها و تشدید نظارت‌ها، هرگونه امکان پرداخت و تسویه از طریق حساب‌های مدت‌دار از بین برود و ذخیره‌گیری، روش معقولی در مواجهه با این آسیب در نظام بانکی نخواهد بود.

تا اینجا نقدهای وارد بر انحصار نرخ ذخیرهٔ قانونی ۱۰۰٪ برای سپرده‌های دیداری بررسی و پاسخ داده شد. در ادامه، بر ایرادهای نظام پولی مبتنی بر نرخ ذخیره کامل از منظر امکان یا عدم امکان خلق پول بانکی اشاره می‌شود. عمدهٔ اندیشمندان قائل به لزوم حذف امکان خلق پول بانک‌ها در اقتصاد، صرف کامل بودن نرخ ذخیره قانونی

را برای تحقق این امر کافی دانسته‌اند و از این رو راهکار پیشنهادی‌شان در نهایت، به اعمال نرخ ذخیره قانونی ۱۰۰٪ بر سپرده‌های بانکی ختم می‌شود. باید دید این پندار تا چه حد صحیح و قابل دفاع است؟

دولت‌آبادی (۱۳۹۴) در مطالعه خود به این نکته مهم اشاره می‌کند که حتی با نرخ ذخیره ۱۰۰٪، در صورتی که بدهی بانک‌ها پول محسوب شود، آن‌ها همچنان امکان خلق پول خواهند داشت. به بیان دیگر، نظام بانکداری مرکزی با ذخیره ۱۰۰٪ که برخی اقتصاددانان متعارف نظیر فیشر، فریدمن، اله، توبین و نیز برخی اندیشمندان اسلامی پیشنهاد داده‌اند، اگر چه به منظور حذف قدرت خلق پول بانک‌ها طرح شده است، اما تا زمانی که بدهی بانک‌ها پول محسوب شود، به هدف خود نخواهد رسید (دولت‌آبادی، ۱۳۹۴). چراکه کماکان دو نوع پول (سند بدهی) در اقتصاد وجود دارد: پول درونی و پول بیرونی. نرخ ذخیره قانونی ۱۰۰٪ تنها به دنبال ایجاد تناظر یک به یک بین این دو نوع پول در اقتصاد است و نه حذف پول درونی (بانکی) و ایجاد یکپارچگی پولی در نظام پولی و اقتصاد.

بر اساس نظریه پولی مدرن و رویکرد خلق پول در بانکداری که در مطالعه مک‌لی^۱ (۲۰۱۴) و ورنر^۲ (۲۰۱۴) به خوبی شرح شده است، با توجه به درون‌زا بودن حجم پول و حتی نرخ بهره در اقتصاد، این پول درونی است و نقش اصلی را در تعیین میزان نقدینگی و عرضه پول در اقتصاد دارد و پول بیرونی (پایه پولی)، تابعی از آن است. ابتدا بانک‌ها به خلق پول خود (پول درونی) اقدام و سپس برای تأمین ذخایر (پول بیرونی) در صورت نیاز از بانک مرکزی استقراض می‌کنند. حتی اگر بانک مرکزی سقف کریدور نرخ بهره را بسیار بالا تعیین کند (همان‌طور که هم‌اکنون [۱۴۰۳] در نظام بانکی ایران ۳۴٪ تعیین شده است) باز امکان اضافه برداشت بانک‌ها در شرایط اضطرار و همراه کردن پایه پولی با نقدینگی وجود دارد؟^۳ شاهد مثال دیگر

^۱ McLeay

^۲ Werner

^۳ البته این نظریه خود از این جهت می‌تواند محل اشکال باشد که رابطه پول درونی (سپرده‌های بانکی) و پول بیرونی (ذخایر بانک مرکزی) را یک‌طرفه تحلیل می‌کند، حال آنکه در اقتصاد و بانکداری متعارف نمی‌توان خلق پول را مطلقاً درون‌زا یا برون‌زا در نظر گرفت؛ چراکه برای هر وجه

در این باب (امکان خلق پول بانکی با وجود نرخ ذخیره ۱۰۰٪) مربوط به شرایطی می‌شود که نظام بانکی در اثر یک شوک بیرونی به ترازنامه بانک‌ها (بعضاً عملکرد بد و رفتار پر ریسک بانک‌ها و مؤسسات مالی در اقتصاد) در معرض بحران سیستمیک^۱ و ورشکستگی فراگیر قرار گیرد؛ یا شرایطی که در آن، بانک‌های بزرگ - که ورشکستگی آن‌ها ممکن است به فروپاشی نظام مالی بینجامد و از این منظر همواره از حمایت‌های خاص مالی حاکمیت برخوردار هستند (to big to fail) - به خاطر تصمیمات پولی غیرمسئولانه در وضعیت بحرانی قرار گرفته، شاهد انفعال و همراهی بانک‌های مرکزی در جهت گشایش‌های اعتباری و اجرای سیاست‌های پولی انبساطی و تسهیل مقداری (QE)^۲ در قبال آن‌ها بوده‌ایم (نظیر آنچه بعد از بحران مالی ۲۰۰۷-۲۰۰۸ و نیز دوران شیوع ویروس کرونا در کشورهای توسعه‌یافته به‌ویژه ایالات متحده رخ داد).

بنابراین، حتی با فرض افزایش نرخ ذخیره قانونی به ۱۰۰٪، با توجه به درون‌زایی پولی نسبی در نظام پولی رایج (امکان اثرگذاری بانک‌ها در تعیین حجم پول در اقتصاد حداقل در برخی مقاطع)، انتظار اینکه از این طریق امکان خلق پول به‌طور کامل از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری خصوصی سلب گردد و عرضه پول مطلقاً در دست حاکمیت (بانک مرکزی) قرار گیرد، نابجا و دور از واقعیت است. به‌طور کلی مادامی که چک و سند بدهی یک فرد یا نهاد خصوصی، پول رایج اقتصاد به شمار رود، در هر موقعیتی که منافع آن اقتضا نماید، از انتشار آن حذر نخواهد کرد؛ چه اینکه ریسک رفتار آن فرد یا نهاد و حتی خطر ورشکستگی آن، بیش از آنکه به

آن، شواهد و قرائنی مؤید یافت می‌شود. به‌عنوان مثال مهم‌ترین وجه خلق پول برون‌زا در نظام پولی متعارف، کسری بودجه دولت‌ها (هرچند محدود) و تأمین غیرمستقیم آن از محل ذخایر بانک مرکزی (از طریق سازوکار انتشار اوراق بدهی دولتی و اجرای عملیات بازار باز توسط بانک مرکزی) است. از این‌رو خلق پول در اقتصاد را باید متأثر از کنش‌های درون‌زا و برون‌زا به‌صورت توأمان دید و تحلیل کرد؛ اما این نظریه میانه نیز باز صحت کلی قضاوت ارائه‌شده در باب امکان خلق پول بانکی حتی در شرایط اعمال نرخ ذخیره ۱۰۰٪ را زیر سؤال نمی‌برد و به‌نوعی حتی مؤید آن است.

^۱ Systemic

^۲ Quantitative Easing

خودش بازگردد، متوجه سایرین (سهامداران، سپرده‌گذاران و کل اقتصاد) خواهد بود. بر اساس روند معمول نظام بانکی، پس از انتشار چک (اعطای اعتبار و خلق پول) است که بانک مربوطه به دنبال تأمین ذخایر لازم برای آن (از طریق استقراض از بازار بین‌بانکی یا بانک مرکزی) خواهد بود.

۲-۲. قائلین به چارچوب پول حاکمیتی (بیرونی)^۱

برخی از مطالعات محققان اسلامی حوزه پول و بانک، قائل هستند به اینکه تحقق نظام پولی اسلامی مستلزم تغییراتی بنیادین در نظام پولی متعارف است. به عبارتی ایشان مدعی‌اند که آنچه «نظام پولی و بانکی اسلامی» نامیده می‌شود، چارچوبی متفاوت با نظام پولی رایج دارد و این تفاوت در چارچوب پولی ممکن است از یک یا چند جهت قابل طرح باشد. به‌عنوان مثال یکی از ویژگی‌های ساختاری و ذاتی نظام پولی متعارف که تغییر در آن مستلزم تغییر در چارچوب نظام پولی خواهد بود، دوگانگی پولی (وجود دو نوع پول درونی و پول بیرونی در اقتصاد) و به‌تبع آن، خلق پول دوگانه (خلق پول درونی و خلق پول بیرونی) است. از دیگر ویژگی‌های ساختاری آن، حضور و غلبه بانکداری خصوصی در نظام بانکی است. مشخصه دیگر نظام پولی متعارف، نوع پول مورد استفاده و مبنا در آن است که از نوع پول حکمی یا دستوری (Fiat Money) تعریف شده است. هرگونه تغییر در هر یک از این مشخصه‌های ذاتی، مستلزم تغییر در چارچوب نظام پولی خواهد بود.

از این منظر، این دسته مطالعات، در دو گروه زیر قرار می‌گیرند:

۱. بیشتر آن‌ها قائل به لزوم جواز خلق پول توسط دولت (بانک مرکزی) یا خلق پول بیرونی هستند.

۲. برخی با وجود قائل بودن به پول دستوری، مطلقاً با هرگونه خلق پول حتی توسط بانک مرکزی مخالف هستند.

در ادامه، نمونه‌هایی از این مطالعات بررسی می‌شود.

۲-۲-۱. موافقان خلق پول بیرونی

^۱ Sovereign/Outside Money: پول منتشرشده توسط حاکمیت [دولت یا بانک مرکزی] که بدهی هیچ فرد حقیقی یا حقوقی در درون اقتصاد محسوب نمی‌شود (نک به لاگوس، ۲۰۱۲).

ملکی (۱۳۹۳)، با منحصر کردن امکان خلق پول برای بانک مرکزی و پس از قاعده هدف‌گذاری تورم، نیاز بخش حقیقی اقتصاد را قاعده دوم برای تعیین حجم بهینه پول توسط بانک مرکزی در اقتصاد می‌داند؛ البته به این مسئله مهم نمی‌پردازد که با چه ترتیباتی از خلق پول می‌توان به این اهداف دست یافت و امکان خلق پول بانکی را به‌صورت انحصاری در اختیار بانک مرکزی قرار داد. با وجود این، با توجه به پیشینه و نوع ورود به این بحث، به نظر می‌رسد پیش‌فرض اصلی محقق، تکیه مبادلات و تأمین مالی فعالیت‌های مولد در اقتصاد بر پول منتشره از سوی بانک مرکزی است، نه بر بانک‌ها. از این‌رو چارچوب پیشنهادی این پژوهش برای نظام پولی سازگار با آموزه‌های اسلامی، متفاوت با چارچوب نظام پولی متعارف تعریف شده است و در این مدل، نظام پولی به‌صورت مستقیم و با مباشرت دولت (بانک مرکزی) در خدمت اهداف تولیدی و توسعه‌ای قرار می‌گیرد؛ برخلاف نظام بانکی متعارف که در آن بانک‌ها به‌عنوان واسطه تخصیص و اعطای اعتبار در اقتصاد به بنگاه‌ها، آن‌هم با تشخیص و تصمیم خود، تعریف شده‌اند.

این نکته که تشخیص بنگاه‌های مستحق دریافت اعتبار و تأمین مالی و تخصیص اعتبار به آن‌ها (از طریق خلق پول) می‌تواند و حتی بهتر است با مباشرت مستقیم دولت و بر اساس شاخصه‌های دقیق و شفاف صورت پذیرد، نکته مثبتی به نظر می‌رسد که نظام پولی و ترتیبات خلق پول را یک قدم به اصول موضوعه و مدل مطلوب نزدیک‌تر می‌کند؛ اما مسئله مهم دیگر این است که چه تضمینی وجود دارد که حاکمیت از این قدرت خلق پول، خارج از قاعده و چارچوب تعریف‌شده (هرچند در شرایط اضطرار) برای پوشش و جبران ناکارآمدی‌های نظام مالی و هزینه‌کرد خود، استفاده نکند! چنانکه در نظام پولی کنونی نیز پوشش کسری بودجه دولت‌ها عمدتاً از این محل صورت می‌گیرد و به‌نوعی مالیات تورمی دولت‌ها بر مردم و عوامل اقتصادی است؛ ضمن اینکه اگر هم این مسئله با آموزه‌ها و مبانی اسلامی، ناسازگاری نداشته باشد یا بتوان با تعیین شرایط و حدود، بر آن صحه گذاشت، نیازمند توجیه و استدلال بوده که محقق به آن نپرداخته است.

دولت‌آبادی (۱۳۹۴) پس از تبیین سازگاری الگوی پول اعتباری بیرونی با امکان خلق پول محدود حاکمیت، با آموزه‌های اسلامی، به‌منظور تأمین این مطلوب

سازوکاری مشخص برای ترتیبات خلق پول ارائه می‌دهد که در این سازوکار، با حذف پول درونی (پول مخلوق بانک‌ها) در آن، تنها پول (بدهی)^۱ بانک مرکزی است که در اقتصاد جریان دارد و قابل استفاده است. از این طریق، این تضمین ایجاد می‌شود که امکان خلق پول به صورت انحصاری در اختیار بانک مرکزی قرار گیرد. از این رو این مدل، به خوبی توانسته امکان خلق پول بانک‌ها را از آن‌ها سلب و به تبع آن، آثار منفی سیطره و نوسان پول درونی در اقتصاد، بر ثبات اقتصادی و توزیع مواهب را به‌طور کامل محو نماید. ضمن اینکه مبتنی بر شاخصه‌های اصلی نظام پولی اسلامی (ثبات اقتصادی و جلوگیری از شکل‌گیری عوامل با آثار توزیعی سوء) معیاری را برای محدوده امکان خلق پول بیرونی توسط بانک مرکزی تعریف می‌کند و آن، میزان رشد بخش واقعی اقتصاد است. نتایج این مطالعه نسبت به مطالعات پیش از خود، در حوزه ترتیبات پول اعتباری سازگار با آموزه‌های اسلامی را می‌توان یک گام رو به جلو در این حوزه دانست. با وجود این نارسایی‌ها و اشکالاتی درباره آن قابل طرح است از جمله:

۱. اشکال مطالعه ملکی (۱۳۹۳) این است که چه تضمینی وجود دارد حاکمیت از این قدرت خلق پول خارج از قاعده تعریف‌شده (هرچند در شرایط اضطرار) برای پوشش و جبران ناکارآمدی‌های نظام مالی و هزینه‌کردی خود استفاده نکند؟
۲. دو ایراد مهم درباره این نحوه از ایجاد توازن بین بخش پولی با بخش حقیقی در اقتصاد، قابل طرح است (نعمتی، ۱۴۰۰). نخست اینکه، اگر حفظ توازن بخش پولی با بخش حقیقی بر عهده دولت باشد و به مکانیزم قیمت‌های سوبیه (عوامل خصوصی و بازار) سپرده نشود، مداخله دستوری و دولتی در تعیین حجم پول لازم برای ثبات سطح عمومی قیمت‌ها (مشکل محاسبه سوسیالیستی) پیش می‌آید. دوم اینکه، با فرض تعیین حجم لازم خلق پول در هر دوره توسط دولت و عدم تعیین آن به دست عوامل بخش خصوصی و نیروهای بازار، چند نکته قابل طرح است:

^۱ IOU: I OWE YOU

- پول جدید خلق شده (در فرض رشد تولید) به چه کسی اختصاص داده شود؟
 - دلیل متقنی وجود ندارد که پول جدید به دولت (حتی دولت اسلامی) تعلق یابد؛
 - توزیع بالسویه آن نیز وجهی ندارد.
۳. پول جدیدی که سالانه بانک مرکزی معادل نرخ رشد اقتصادی خلق می‌کند، با چه سازوکاری وارد اقتصاد شود که بیشترین منافع را برای جامعه به همراه آورد و با آموزه‌های دینی هم سازگار باشد؟
۴. ملاحظات و محدودیت‌های اجرای سیاست پولی - به‌ویژه از منظر آموزه‌های اسلامی - در این نظام پولی چیست؟ با توجه به قید در نظر گرفته شده برای میزان افزایش حجم پول در هر دوره، اگر سیاست پولی مستلزم افزایش حجم پول بیش از میزان قید شده و به هم خوردن تناسب بخش پولی با بخش حقیقی باشد، تکلیف چیست؟ این مسئله تا چه حد از منظر آموزه‌های اسلامی امکان‌پذیر و موجه دانسته می‌شود؟
۵. بانک مرکزی در هر دوره، طی چه برنامه‌ی زمانی، برای افزایش متناسب حجم پول اقدام کند تا امکان تغییرات حجم پول از محل سیاست‌گذاری پولی از او سلب نشود؟
۶. در صورتی که در یک سال، اقتصاد با رشد منفی مواجه گردد، برای تنظیم حجم بخش پولی متناسب با حجم بخش واقعی اقتصاد، باید محو پول اتفاق بیفتد. حال این محو پول با چه سازوکاری ممکن است؟ به عبارتی برای حذف بخشی از پول موجود در اقتصاد، آیا می‌توان از سپرده‌های موجود در اقتصاد کسر کرد؟ اگر خیر، راهکار چیست و اگر آری، آیا قابل توجیه است و تبعات اجتماعی به همراه ندارد؟
۷. با توجه به اینکه رشد یا کاهش حجم یک اقتصاد، اتفاق و پدیده‌ای پویا و حاصل فعل‌وانفعالات لحظه‌ای بخش‌های مختلف اقتصاد است، اگر تعدیلات بخش پولی در تناسب با بخش واقعی، به‌صورت ایستا و دوره‌ای صورت گیرد، نسبت به تغییرات پویای بخش واقعی، با وقفه و تأخیر مواجه

خواهد شد. این مسئله، نقیصه این سیستم و نوعی ناکارآمدی به شمار می‌آید. آیا می‌توان برای رفع این مشکل یا به حداقل رساندن این ناکارآمدی، تدابیری اندیشید؟

۸. فراتر از اینکه نباید تعدیل حجم پول در اقتصاد نسبت به تغییرات بخش واقعی، با وقفه صورت گیرد، می‌توان گفت تغییرات حجم پول، خود مقدم بر تغییرات بخش واقعی اقتصاد صورت می‌گیرد و امری پیشینی به شمار می‌رود. به‌نوعی این تغییرات تولید است که متوقف بر تغییرات اولیه و متناسب حجم پول است.^۱ این در حالی است که در مدل یادشده، افزایش حجم پول، متوقف بر افزایش پیشین تولید است و این خود منجر به اختلال در روند فعالیت‌های بخش واقعی اقتصاد و نوسان در نرخ بازده موردتقاضا (بهره) می‌شود.

عیسوی و همکاران (۱۳۹۸) نیز ایده‌ای مشابه نظر حسینی دولت‌آبادی (۱۳۹۴) را به‌عنوان ترتیبات پولی اسلامی مطرح نموده است. از این رو تمامی اشکالات وارد بر مدل پولی حسینی دولت‌آبادی بر مطالعه ایشان نیز وارد است.

۲-۲-۲. مخالفان خلق پول بیرونی (حامیان حجم پول ثابت)

دلالی اصفهانی و همکاران (۱۳۸۶) معتقدند «با اعمال سیاست‌های پولی بهینه و قاعده‌مند نمودن توسعه درازمدت عرضه پول می‌توان با ریشه‌های پولی تورم و بیکاری مقابله نمود». این مطالعه بر مبنای تلخیص و تحلیل الگوی مقدار بهینه پول فریدمن با استفاده از ابزارهای ریاضی نشان می‌دهد که «قاعده نهایی برای نیل به مقدار بهینه حجم پول، به‌وسیله نرخ کاهش یکنواخت سطح عمومی قیمت‌ها که نرخ بهره اسمی معادل صفر را ایجاد می‌کند، حاصل می‌شود». بر این اساس در حالت بهینه از منظر این مطالعه حجم پول ثابت خواهد بود.

^۱ افزایش تولید به معنای افزایش پیشینی تقاضای پول در اقتصاد و افزایش نرخ بازدهی انتظاری (همان نرخ بهره در اقتصاد متعارف) خواهد بود که در یک سازوکار طبیعی و انگیزشی خلق پول در اقتصاد (نظیر سازوکار خلق پول درون‌زا در اقتصاد متعارف توسط بانک‌ها)، خود منجر به افزایش حجم پول می‌شود. نظیر این مسئله را می‌توان در فرایند فعلی تغییرات حجم پول در دوره‌های رونق و رکود در اقتصاد مشاهده کرد.

این پژوهش، یک مطالعه و ارزیابی کمی مبتنی بر مدل‌سازی ریاضی بوده که تنها به دنبال استخراج یک قاعده کلی در رابطه با حجم بهینه پول در اقتصاد است و درباره چگونگی تحقق این قاعده پولی و جزئیات و نحوه طراحی نظام پولی سازگار با آن، بحثی نکرده است.

بخشی‌دستجردی (۱۳۹۵) در تبیین خود از نظام پولی اسلامی مطلوب، امکان خلق پول را به کلی رد می‌کند و لزوم ثبات حجم پول در هر شرایطی را پیش می‌کشد. بر این اساس لازم است نرخ ذخیره قانونی ۱۰۰٪ برای پول منتشرشده از سوی بانک‌ها اعمال شود و کارکرد بانک‌های تجاری تنها به واسطه‌گری مالی در قالب عقود شرعی محدود گردد. در الگوی پیشنهادی این پژوهش، کارکرد بانک مرکزی نیز تنها به شأن نظارتی در قبال عملکرد بانک‌ها و مدیریت سیستم اجرایی پولی تقلیل می‌یابد، چراکه سیاست پولی در این شرایط دیگر موضوعیت و مشروعیت نخواهد داشت. این پژوهشگر در مطالعه‌اش درباره جزئیات مدل پیشنهادی خود توضیحی نداده و به طرح ایده کلی بسنده کرده است. همچنین در مطالعه بخشی‌دستجردی (۱۳۹۵) مسکوت مانده است که آیا قرار است سیستم دوگانه پولی (پول بانک‌ها - پول بانک مرکزی) حفظ شود یا همچون مدل پیشنهادی دولت‌آبادی (۱۳۹۴) با حذف پول بانکی (درونی) در اقتصاد، نرخ ذخیره قانونی و سازوکارهای مرتبط با آن در نظام پولی حذف شود؛ علاوه بر این، او که عدم امکان خلق پول حتی توسط بانک مرکزی و لزوم ثبات حجم پول در نظام پولی اسلامی و حتی صفر شدن نرخ بهره حقیقی (و نه اسمی) را مطرح می‌کند، در مطالعه خود به سازوکار و ترتیبات پولی که با آن بتوان به این مقصود رسید، توجه نمی‌نماید و پاسخی نمی‌دهد به این مسئله که: آیا در نظام پولی کنونی امکان تأمین چنین مقصودی را می‌توان فراهم کرد یا خیر؟

در مجموع نقدها و اشکالات متعددی به نظریه «فریدمن»^۱ (۱۹۶۹) در تعیین مقدار بهینه پول وارد است، از جمله اینکه فروض بسیار محدودکننده‌ای در آن لحاظ گشته و جمعیت ثابت در نظر گرفته شده است؛^۲ نقدهایی که به نتایج مدل‌سازی مطالعه

^۱ Friedman, M

^۲ برای مطالعه بیشتر نک به (خوشخوی، ۱۴۰۰)

دلالی اصفهانی و همکاران (۱۳۸۶) و نیز بخشی‌دستجردی (۱۳۹۵) که بر مبنای این نظریه به انجام رسیده، وارد خواهد بود.

۲-۲-۳. مطالعات فاقد چارچوب پیشنهادی

محور اصلی عدم مشروعیت یا عدم جواز خلق پول توسط بانک‌ها در مطالعه «میرا و لربانی»^۱ (۲۰۰۹)، اخلال در نظام توزیع مالکیت دارایی‌های واقعی است؛ در واقع نگاه ایشان به خلق پول و آثار توزیعی آن بسیار شبیه نگاه امثال «موریس اله»^۲ و «روثبارد»^۳ به خلق پول است. این پژوهشگران دربارهٔ چگونگی تحقق این امر، مدل و سازوکاری مشخص را در مطالعه خود ارائه نمی‌کنند. مجاهدی مؤخر و همکاران (۱۳۹۰) نیز، در مطالعه کمی خود، به بررسی میزان سازگاری بانکداری ذخیره جزئی با اصول و معیارهای اسلامی بسنده نموده و طرح پیشنهادی و جایگزینی برای طراحی نظام پولی مطلوب ارائه نکرده‌اند.

صمصامی و کیانپور (۱۳۹۴) پس از تشریح اهداف نظام مالی اسلامی و معایب خلق پول توسط نظام بانکی، امکان خلق پول بانک‌ها به شکل کنونی را در نظام بانکی اسلامی منتفی می‌دانند. در این مطالعه، در باب چگونگی تحقق این امر (حذف کامل خلق پول بانک‌ها) تحلیلی به میان نیامده است؛ ضمن اینکه شرایط و حدود خلق پول حاکمیت (بانک مرکزی) نیز مسکوت مانده و از این جهت، نمی‌توان از آن الگوی مشخص و جامعی در باب اصول و ترتیبات خلق پول در نظام پولی اسلامی مستفاد نمود.

مطالعهٔ باستانی‌فر و همکاران (۱۳۹۵) که به دنبال ارائهٔ الگویی از خلق اعتبار در بانکداری اسلامی متأثر از اندیشه شهید صدر بوده، به این نتیجه می‌رسد که وضعیت مطلوب در نظام و ترتیبات پولی تنها در شرایط عدم خلق پول از ناحیه بانک‌ها قابل تحقق است. این مطالعه به چگونگی دستیابی به نظام پولی فاقد خلق پول درونی در اقتصاد پرداخته است، ضمن اینکه در رابطه با قیود و شرایط خلق پول از ناحیهٔ

^۱ Meera and Larbani

^۲ Maurice Allais

^۳ Murray Newton Rothbard

حاکمیت نیز بحثی نمی‌کند. «انور»^۱ (۲۰۰۰) و نیز «سانی و همکاران»^۲ (۲۰۱۲) همچون پژوهشگران پیشین به آسیب‌شناسی و نقد نظام بانکداری ذخیره جزئی و رد آن بسنده کرده و در مقام طرح مدل مشخص جایگزین برای آن برنیامده‌اند.

۲-۳. ارزیابی دیدگاه مخالفان نظام پول دستوری

در مقابل تمامی دیدگاه‌ها و الگوهایی که تاکنون در بین محققان اسلامی حوزه پولی و بانکی مطرح شده، عده‌ای معتقدند باید از پول دستوری (حکمی) فاصله گرفت و به سمت نظام پولی پول با سازوکار طبیعی و غیرمتمرکز خلق پول رفت. به اعتقاد مجاهدی مؤخر و همکاران (۱۳۹۲) «پول بدون پشتوانه با ماهیت ذهنی صرف [انفصال از ماهیت عینی] به دلیل کارکرد وسیع و همه‌گیر آن در اجتماع این خصوصیت را دارد که به‌واسطه عرضه با کشش و هزینه‌های پایین تولید، مورد جعل یا سوءاستفاده قرار گیرد»؛ در نتیجه: «نمی‌توان تعادل اقتصادی را بر پایه امور کاملاً مجازی شامل اعتبار محض و موجودی سرمایه کاغذی قرار داد و چنانچه ابتکاراتی نیز وجود داشته باشد بسیار لرزان است. از این‌رو سازوکار اعتباری با منشأ خلق اعتبار از هیچ، اقتصاد را با عدم تعادل و نوسان‌های دوره‌ای مواجه می‌سازد». از طرفی «نگاه اندیشمندان اسلامی به این موضوع با تأکید بر ماهیت و چیستی پول به‌جای کارکرد پولی استوار می‌شود. ... در عین حال، توجه اندیشمندان اسلامی معطوف به حرمت ربا در فضای اقتصاد پولی است و در مورد خلق اعتبار بانکی در چارچوب عقود اسلامی توجهی نشده است و رویکرد اندیشمندان غربی در این خصوص کامل‌تر است.»

نکته مهم مطالعه مجاهدی مؤخر و همکاران (۱۳۹۲) این است که نگاه اندیشمندان اسلامی به موضوع پول و نظام پولی، عمدتاً با تأکید بر ماهیت و چیستی پول به‌جای کارکرد پولی استوار شده است. به عبارتی اگر از زاویه ادراک و فهم تبعات هر نوع پول و نظام پولی در اقتصاد و زندگی مردم، به بررسی مفهوم پول و طراحی نظام پولی پرداخته شود، نتایج مطالعات متفاوت خواهد بود. این در حالی است که پژوهشگران حوزه پول غالباً با نگاهی جزئی‌نگر به مسائل، کمتر از دید کلان و تحلیل

^۱ Anwar, M

^۲ Sani. M.D, Arfah, Ahamed Kameel Meera, A. Aziuddin

سیستمی بهره می‌برند. به‌هرحال این مطالعه نسبت به ملاحظات و جزئیات اجرای نظام پول حقیقی در بستر اقتصاد موجود ایده و بحثی ارائه نمی‌کند. بر اساس تحلیل نعمتی (۱۴۰۰) «حتی در شرایط اضطرار، دولت نمی‌تواند اقدام به خلق پول نماید و بر این اساس حکم خلق پول با فرض مصلحت‌اندیشی یا خلق پول توسط بانک‌های تجاری به‌طریق‌اولی روشن خواهد بود». همچنین مالیات تورمی را به علت «غرری بودن (معلوم نبودن زمان و میزان پرداخت هر مؤدی)» و «ظالمانه بودن (به دلیل انتقال ثروت از محرومان به متمولان)» موجه و مشروع نمی‌داند. وی با توجه به قواعد فقهی سه‌گانه‌ای که مبنای طراحی نظام پولی اسلامی قرار می‌دهد، تنها نظام پول حقیقی (مبتنی بر طلا) با مکانیزم تعدیل خودکار را که قابلیت تبدیل‌پذیری اسکناس با طلا را نیز دارد، سازگار با مبنای اسلامی و قابل پذیرش می‌داند.

در این پژوهش، بیشتر بحث به دفاع فقهی و اقتصادی از نظریهٔ بالا معطوف شده است و دربارهٔ جزئیات و نحوهٔ عملی ساختن نظام پول حقیقی، بحث چندانی به میان نمی‌آورد؛ ضمن اینکه علت تأکید آن بر روی طلا (به‌عنوان پشتوانه اصلی ارزش پول) و نه سایر فلزات گران‌بها از جمله نقره - که در صدر اسلام و بعد از آن نیز رواج بسیار داشته - نیازمند توضیح است؛ به‌ویژه اینکه نظام پولی مبتنی بر فلزات گران‌بها، حتی در نظریات «مکتب اتریش»^۱ نیز محصور به طلا نبوده است. وانگهی، این مطالعه در تشریح مکانیزم تعدیل خودکار و نحوهٔ کارکرد آن، بیشتر بر روی ابتدای زنجیره طلا (کشف و استخراج از معادن) تمرکز یافته و تغییرات در عایدی انتظاری معدن‌کاو طلا را عامل اصلی خود تنظیم‌گری و برقراری تعادل طبیعی (بازاری) در عرضه و تعیین حجم پول در اقتصاد می‌داند، درحالی‌که بخش اصلی این مکانیزم خودکار را باید در انتهای زنجیره یعنی فرایند ضرب طلا (تبدیل به مسکوکات) و ذوب مسکوکات (تبدیل به طلای مصرفی) دانست. به عبارتی قوهٔ اصلی خلق و خاصه محو پول، در این بخش از زنجیره تعبیه‌شده و کنش‌های خودجوش مربوط به آن است که امکان تنظیم و ایجاد تعادل در حجم پول را به‌خوبی در اقتصاد فراهم می‌کند.

۳. رویکرد منتخب در تبیین الگوی تمدنی حکمرانی پولی

^۱ Austrian school

۳-۱. دیدگاه‌های موجود در حیطة ترتیبات پولی در یک نگاه

در یک دسته‌بندی کلی، ترتیبات مختلف و مطرح خلق پول در «جدول ۱» معرفی و چگونگی جایگیری طرح‌های پولی اندیشمندان اسلامی در آن مشخص شده است.

جدول ۱: جایگیری طرح‌های پولی اندیشمندان اسلامی در دسته‌بندی ارائه‌شده برای ترتیبات خلق پول

الگوهای پول همگن [ادرونی/بیرونی]		الگوهای پول دوگانه [ادرونی/ بیرونی]		حاجات
پول بیرونی (از نوع اعتباری)	پول درونی (مسکوک طلا، نقره و ...)	نرخ ذخیره کمتر از ۱۰۰٪	نرخ ذخیره ۱۰۰٪	
جریان پازیتیو مانی Positive] و Money] پول حاکمیتی	اقتصاددانان مکتب اتریش [میزز (۱۹۶۶)، هایک (۱۹۲۰)، روثبارد (۲۰۰۱) و دی سوتو و ...]	اقتصاددانان طرفدار ترتیبات پولی متعارف و نظریه پولی مدرن (MMT)	اقتصاددانان شیکاگو [فریدمن (۱۹۶۹)، سیمونز (۱۹۴۸) و ...]	

برخی محققان مسلمان نظیر دولت‌آبادی (۱۳۹۴)، ملکی (۱۳۹۳)، خوشخوی (۱۴۰۰) و ...	برخی محققان مسلمان نظیر نعمتی (۱۴۰۰)، مجاهدی مؤخر و همکاران (۱۳۹۲)، خوشخوی (۱۴۰۰) و ...	برخی محققان مسلمان نظیر حسن (۲۰۰۸) و (۲۰۱۱)، موسویان و نظری (۱۳۹۲)، سبحانی و درودیان (۱۳۹۵) و ...	برخی محققان مسلمان نظیر الجراحی (۲۰۰۴)، میرآخور (۱۳۷۳)، خان (۱۹۸۶) و ...	
---	---	--	--	--

بر اساس مجموع مباحث و نکات مهم ویژگی‌های نظام پولی سازگار با اصول و مبانی اسلامی که تاکنون بیان شده است، می‌توان نتیجه گرفت که طراحی نظام مطلوب حکمرانی پولی و سازگار با نگاه تمدنی و اسلامی تنها در قالب الگوهای پولی همگن و یکپارچه، موجه و قابل پذیرش خواهد بود. هرچند پاسخ به این پرسش که «کدام‌یک از دو الگوی پول درونی (غیردستوری) و پول بیرونی (دستوری) بر دیگری ارجحیت دارد» خود مستلزم پژوهشی مستقل و مباحث گسترده‌ای است؛ اما با توجه به مطالب پیش گفته، سعی می‌شود با رعایت ایجاز، نکات مهم این مسئله بیان گردد.

۲-۳. نقد و بررسی الگوهای پول همگن

با مروری بر نقدهای وارد بر «الگوهای پول همگن مبتنی بر پول بیرونی» در ارزیابی مطالعاتی نظیر دولت‌آبادی (۱۳۹۴)، اشکالات بهره‌گیری از پول دستوری در نظام و ترتیبات پولی تا حدی نمایان شد. در ادامه این موضوع بیشتر توضیح داده می‌شود. دلایل ضرورت حذف پول دستوری از نظام پولی و اقتصاد را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

۱. حتی اگر تأمین شرط «ثبات ارزش پول» در نظام پول دستوری امکان‌پذیر شود، تأمین شرط «عاری بودن از اثرات توزیعی» توسط این نظام پولی به

- نظر ممکن نخواهد بود و تنها در قالب نظام پولی غیردستوری می‌توان تحقق آن را پیگیری کرد.^۱
۲. پذیرش پول اعتباری، مستلزم پذیرش ناشر برای آن است که خود، موجب تمرکزگرایی در قدرت خلق پول می‌گردد. این تمرکز قدرت، مستلزم دخالت و تصمیم‌گیری دولت یا نهادهای مورد تأیید دولت برای این منظور خواهد بود. به بیان نعمتی (۱۴۰۰) «در این صورت، مسئله خطای محاسبات سوسیالیستی [برنامه‌ریز مرکزی] همواره مطرح خواهد بود»^۲؛ به عبارت دیگر، مادامی که امکان داشته باشد مقدار تعادلی یا کلان یک کمیت در اقتصاد (نظیر حجم پول، نرخ بازدهی [بهره]، حجم سرمایه گذاری و ...) به صورت غیردستوری تعیین شود، تمرکزگرایی و سپردن آن کمیت به فرد یا نهادی تصمیم‌گیر با هدف تعیین مقدار برای آن، امری به غایت غلط و مضر به شمار می‌رود.
۳. با توجه به اینکه هزینه نهایی خلق پول جدید در اقتصاد تقریباً صفر است و از طرفی همواره توجیهات شخصی برای مبادرت به این امر چه از ناحیه سیاسیون و چه تراستی‌های بانکدار وجود دارد، امکان و انگیزه سوءاستفاده از قدرت خلق پول برای نهاد ناشر به راحتی فراهم است. تجربه نشان داده که با وجود چنین قدرتی، حاکمیت‌ها انگیزه کافی برای کنترل رفتار و هزینه‌های مالی خود، به‌ویژه در تنگناهای شدید مالی (وقوع شوک‌های مقطعی نظیر جنگ، قحطی و حوادث غیرمترقبه) را نخواهند داشت.
۴. حتی با فرض پایبندی دولت به «قواعد پولی و مالی»^۳، این پرسش مطرح می‌شود که پول جدید خلق شده در شرایط وقوع رشد بخش واقعی (تولید)

^۱ بر اساس جمع‌بندی مباحث مربوط به «تعریف و چیستی پول» در فصل دوم مطالعه خوشخوی (۱۴۰۰) و مقاله سبحانی و خوشخوی (۱۴۰۰)، پایبندی به اصولی چون کارایی، عدالت و حقوق انسانی در بلندمدت، مستلزم روی آوردن به پول حقیقی و اجتناب از پول‌های ناپایدار است.

^۲ «یکی از قواعد فقهی اصلی بخش عمومی، "اصالت فعالیت بخش خصوصی (بازار در مقایسه با دولت) است الا ما خرج بالدلیل». «این قاعده به‌تنهایی خود موجب نفی نظام پولی اعتباری منفک از پشتوانه حقیقی خواهد بود» (نعمتی، ۱۴۰۰).

^۳ Monetary & Fiscal Rules

در اقتصاد، با چه معیار فقهی و به چه کسانی اختصاص یابد؟ ضمن اینکه دلیل متقنی مبنی بر تعلق پول جدید به دولت (حتی دولت اسلامی) یا اختصاص آن به متقاضیان اعتبار (هرچند با هدف تقویت تولید و رشد اقتصادی) وجود ندارد؛ چراکه اختصاص پول جدید به هر فرد حقیقی یا حقوقی، موجب ایجاد رانت می‌شود و بی‌گمان آثار توزیعی و اجتناب ناپذیری به دنبال خواهد داشت که نمی‌توان آن را نادیده گرفت و لازم است در تحلیل مورد لحاظ قرار گیرد.

۵. با فرض پذیرش پول اعتباری بیرونی، تناسب حجم پول با بخش واقعی اقتصاد ایجاب می‌کند، وقوع رشد اقتصادی منفی با کاهش حجم پول (از طریق محو پول یا سرعت کمتر خلق پول نسبت به محو پول) همراه شود. حال چه سازوکاری هست که بتوان از طریق آن، مقولهٔ قبض و بسط پول در اقتصاد را به‌صورت پویا و به‌موقع، اجرا و مدیریت کرد، آن‌هم به‌گونه‌ای که تعارضی با اصول موضوعه طراحی ترتیبات پولی سالم نداشته باشد؟ به نظر تاکنون پاسخ موجه و متقنی به این مسئله داد نشده است و در این شرایط، مدیریت نحوه و میزان محو پول دشوار خواهد بود.^۱

۶. متغیرها و کمیت‌های مربوط به بخش حقیقی (و به تبع آن مقادیر واقعی کمیت‌های پولی) در اقتصاد، همواره به‌صورت لحظه‌ای، پویا^۲ و ملایم^۳ در حال نوسان هستند؛ چراکه کمیت‌های مختلف در بخش حقیقی، همواره

^۱: ممکن است بیان شود همان‌طور که در نظام پولی دوگانه، امکان خلق و محو پول در اقتصاد، در شرایط رونق و رکود، از طریق بسط و قبض اعتبار (تسهیلات) به‌صورت درون‌زا - حتی با وضع نرخ ذخیره قانونی ۱۰٪ - میسر است، می‌توان همین سازوکار درون‌زای خلق و محو پول را به‌صورت مشابه در ترتیبات مبتنی بر پول بیرونی اعمال و اجرا کرد. در پاسخ باید گفت زمانی این تحلیل درست است که این نوع از خلق و محو درون‌زای پول فاقد اشکال باشد؛ درحالی‌که ایرادات متعددی (نظیر وقوع اثر آبشاری و اثرات توزیعی) به مدل رایج خلق و محو درون‌زای پول وارد است؛ مدلی که مبتنی بر سازوکار پرداخت تسهیلات و بازپرداخت اقساط آن شکل گرفته است و استفاده از این مدل قبض و بسط پولی را از موضوعیت می‌اندازد. [نک به مطالعه (خوشخوی، ۱۴۰۰)]

^۲: Dynamic

^۳: Smoothing

متأثر از فعل و انفعالات لحظه‌ای کنشگران اقتصادی‌اند. در این میان، حالت مطلوب و بهینه این است که کمیت‌های اسمی پولی، همگام و هم‌عرض با تغییرات پویای کمیت‌های بخش واقعی اقتصاد، قابلیت تعدیل^۱ و نوسان داشته باشند. تعدیلات ایستا و با وقفه در بخش پولی (به‌ویژه تغییر و تعدیل یک‌باره انباره پول) در واکنش به تغییرات لحظه‌ای و پویای بخش حقیقی، در چارچوب تحلیل تعادل‌های عمومی و بخشی^۲ در اقتصاد نیز امری مطلوب به شمار نمی‌آید. بر این اساس، همراهی و تعدیل پویا و دقیق بخش پولی با نوسانات و فرازوفرودهای لحظه‌ای بخش حقیقی اقتصاد، مستلزم حضور مکانیزمی خودکار و خودتنظیم‌گر به هدف تنظیم‌گری بخش پولی نسبت به تغییرات بخش حقیقی اقتصاد است. اکنون این پرسش مطرح است که «امکان تعبیه چنین سازوکار و کارکردی در ترتیبات خلق پول دستوری (به‌ویژه با فرض استقرار پول بیرونی) تا چه حد و چگونه میسر خواهد بود؟»

۷. بر اساس قاعده فقهی احترام به حق مالکیت شخصی (حرمت اموال افراد)، از آنجا که پذیرش پول اعتباری دستوری (بدون پشتوانه)، به معنای پذیرش مقوله «خلق پول از هیچ» خواهد بود، به علت تلازم این امر با تصرف در مالکیت‌های افراد و وقوع تغییراتی (هرچند اندک) در توزیع ثروت و درآمد در جامعه، این پارادایم پولی از نظر فقهی مردود به نظر می‌رسد (نعمتی، ۱۴۰۰). همچنین بر اساس نتایج برخی مطالعات^۳ خلق پول

^۱ Maching

^۲ General and Partial Equilibriums

^۳ از جمله مطالعه توسلی (۱۳۹۷)؛ البته در برخی مطالعات نظیر عیسوی و همکاران (۱۳۹۸) هرچند خلق پول جدید در نظام پول اعتباری دستوری را مصداق «اُکل مال به باطل» دانسته، اما برای آن استثنا قائل شده‌اند. از نظر ایشان، با توجه به اینکه دولت (حاکمیت)، نماینده و قیّم مردم محسوب می‌شود، می‌تواند عائدی حاصل از خلق پول جدید را طبق صلاحدید یا قاعده‌ای کلی به صرف امور عام‌المنفعه برساند. درحالی‌که بطلان این استدلال در برخی مطالعات نظیر خوشخوی (۱۴۰۰) و نعمتی (۱۴۰۰) بحث شده است.

در نظام پول دستوری و بدون پشتوانه از مصادیق «اکل مال به باطل»^۱ و تصرف در اموال دیگران بوده، حرام و باطل است. همچنین، بر اساس مطالعات متعددی^۲، این نظام پولی با اصول آزادی و حقوق مالکیت افراد در تعارض آشکار است و مشروعیت نخواهد داشت و دو اصل «آزادی» و «حقوق مالکیت شخصی» در جوامع مردم‌سالار و دموکراتیک که از آموزه‌های دینی نیز قابل اقتباس است ایجاب می‌کند، از تحمیل هر سیستم در تعارض با رضایت و خواست آگاهانه و عمومی در جامعه پرهیز شود. اکنون این پرسش قابل طرح است: آیا در شرایط امکان استقرار نظام پولی غیردستوری و غیرمتمرکز در اقتصاد، «انتخاب آگاهانه افراد» که در دل خود، صیانت از «حقوق مالکیت فردی» را نیز در بر دارد، به نظام پول دستوری خواهد انجامید؛ آن‌هم نظامی که امکان مداخله و اعمال سلیقه شخصی را برای عده‌ای فراهم می‌کند؟

۸. بر اساس نتایج بسیاری از مطالعات^۳، نظام پول اعتباری (دستوری) و مبتنی بر ذخیره جزئی (که نظام پولی رایج بارزترین مصداق آن است) و در طول تاریخ اقتصادی، به کرات توسط دولت‌ها و جوامع مختلف، مورد استفاده و آزمون قرار گرفته و به دلیل تبعات ناخوشایند و آثار نامطلوب اقتصادی،

^۱ یک موضوع فقهی و قرآنی است که در تمام روابط اقتصادی انسان‌ها موضوعیت می‌یابد (نک به موسویان، ۱۳۹۰).

^۲ نظیر هالسمن (۲۰۰۸) و گریفین (Griffin, G. Edward) (۲۰۱۰)؛ هالسمن (۲۰۰۸) بیان می‌کند زمانی که حقوق مالکیت مورد تعدی قرار بگیرد (به‌خصوص زمانی که این تعدی به صورت سیستماتیک انجام شود) و این تعدی‌ها وارد حوزه انتخاب پول شود، افراد قادر نخواهند بود بهترین پول‌های موجود را خود به صورت آزادانه انتخاب کنند. بر این اساس نوع متفاوتی از پول به وجود می‌آید که به آن «پول اجباری» می‌گوییم. به‌زعم وی مشخصه اصلی چنین پولی این است که فلسفه وجودی آن وابسته به تجاوز به حقوق مالکیت است.

^۳ برای نمونه می‌توان به هامفری (۱۹۷۶)، لیدلر (۱۹۹۲)، هالسمن (۲۰۰۸)، گریفین (۲۰۱۰) و ساتن (۲۰۱۴) اشاره نمود که سیر مناقشات پولی و مخالفت‌های گسترده بویژه با سیطره نظام پول اعتباری ذخیره جزئی را در طول تاریخ اقتصادی کشورهای مختلف، به‌ویژه در انگلستان و آمریکای شمالی تشریح می‌نمایند.

پس از برانگیختن موج نارضایتی‌ها و اعتراضات اجتماعی، با انحلال مواجه شده است، برخلاف پندار و مدعای رایج کنونی، از دل برهم‌کنش‌های طبیعی کارگزاران و فعالان اقتصادی در جوامع بشری و با انتخاب آگاهانه و خواست عمومی ایجاد نشده است، بلکه معمولاً محصول تصمیم و تحمیل گروه محدودی از سیاستمداران، صاحبان قدرت و جریان بانکداران (تراست پول)^۱ بوده و زیر نفوذ آنان سیطره یافته است. برخی از شواهد این مدعا عبارت‌اند از: تصویب قانون پیل (قانون امتیاز بانکی) پس از مناقشات اوایل سده ۱۹ میلادی میان مکتب پولی و مکتب بانکی در انگلستان؛ تصویب بخش پولی قانون اساسی ایالات متحده در ۱۷۸۲ پس از تجربه شکست اولین بانک مرکزی این کشور و انحلال آن؛ تدوین و ارائه طرح شیکاگو در ۱۹۳۳ برای اصلاحات بانکی نیودیل در ایالات متحده آمریکا که حمایت اکثریت قاطع اقتصاددانان را نیز به همراه داشت؛ نظام استاندارد پولی برتون‌وودز که در ۱۹۷۱ با تصمیم سیاسی و نقض یک‌جانبه دولت ایالات متحده کنار گذاشته شد؛ بنابراین، در طول تاریخ اقتصادی، کنشگران مختلف کوشش‌های علمی و قانونی متعددی برای استقرار نظام پولی بدیل صورت داده‌اند، اما در نهایت این انگیزه و اراده سیاسی حاکمان است که همواره در تعیین کم و کیف نظام پولی، غالب و مسلط بوده است. بر این اساس، نمی‌توان و نباید نظام پولی موجود را محصول فرایند و برهم‌کنش‌های علمی و تجربی بشر قلمداد کرد و آن را نظامی تکامل یافته و بدون جهت‌گیری دانست.

۹. از منظر وجود کارآمدی و بهینگی در کارکرد و نتایج سیستم که مهم‌ترین اصل در اقتصاد متعارف به شمار می‌رود و در زمره اصول مدنظر در آموزه‌های اسلامی نیز قرار دارد، توجه به ملاحظات و ظرایف پیش‌گفته ضروری می‌نماید. این مسئله به‌ویژه از منظر ضرورت حذف مداخلات بیرونی در تعیین مقدار تعادلی کمیت‌های پولی از طریق طراحی سازوکاری پویا و خودتنظیم‌گر در ترتیبات خلق و محو پول و در نهایت، حذف عامل خطای

^۱: Money Trust

محاسبات انسانی از نظام پولی مشهود است. از طرف دیگر، انتخاب آزاد افراد که مبتنی بر حداکثرسازی نفع شخصی صورت می‌گیرد، در نظام پولی نیز همچون سایر بخش‌های اقتصاد، خود متضمن تحقق وضعیت بهینه و بهترین برون‌داد خواهد بود. به گفته «هالسمن»^۱ (۲۰۰۸) «پول اجباری» با وجود جایگزین‌های مناسب‌تر، تنها به علت وجود اجبار است که استفاده می‌شود. این نوع پول با اینکه ممکن است همچنان سودآور باشد و در مبادلات غیرمستقیم استفاده شود، اما باز هم در هر شرایطی از پول طبیعی سودآوری کمتری دارد؛ زیرا دلیل وجودش تجاوز به حقوق مالکیت است و نه برتری در برآورده کردن نیازهای انسان.

از مجموع نکاتی که بیان شد این‌گونه برمی‌آید که در پارادایم نظام پول همگن، این الگوی پول درونی است که دست برتری نسبت به الگوی پول بیرونی دارد. به عبارتی تحقق ملاحظات پیش‌گفته، آن‌گونه که در بستر یک نظام مبتنی بر پول درونی ممکن است، در بستر نظام مبتنی بر پول بیرونی امکان‌پذیر به نظر نمی‌رسد. هرچند در صورت نبود دقت در طراحی ترتیبات و تنظیمات نهادی و فرایندی لازم حتی در نظام مبتنی بر پول درونی، امکان سوءاستفاده و بروز نارسایی‌ها و ناکارآمدی‌های مختلف هرچند در سطح کمتر همچنان وجود خواهد داشت.

۳-۳. مشخصه‌های حیاتی الگوی تمدنی حکمرانی پولی

پس از نقد و بررسی الگوهای پولی مختلف، به‌ویژه الگوهای پول همگن، اکنون می‌توان مشخصه‌های حیاتی حکمرانی پولی تمدنی را بر اساس مباحث پژوهش، به‌صورت زیر احصا و تبیین نمود:

- (۱) تأمین واقعی ثبات ارزش پول در کوتاه‌مدت و بلندمدت؛
- (۲) عاری بودن از آثار توزیعی ناعادلانه در اقتصاد؛
- (۳) عدم شکل‌گیری تمرکز در قدرت خلق پول (جهت جلوگیری از امکان و انگیزه سوءاستفاده از قدرت خلق پول برای نهاد ناشر و نیز خطای محاسبات انسانی)؛

^۱ Hulsmann, Jorg Guido

۴) حل معمای نحوه تخصیص پول جدید (تعیین سازوکاری اصولی، دقیق و درون‌زا در خصوص شیوه تخصیص پول تازه‌خلق شده به افراد و فعالیت‌ها)؛

۵) حل معمای ربا در سیستم تأمین مالی بانکی؛

۶) قبض و بسط پویا و به‌موقع پول در اقتصاد (متناسب با تغییرات بخش حقیقی) از طریق مکانیزمی خودکار و خودتنظیم‌گر؛

۷) پایبندی به اصول «آزادی» و «حقوق مالکیت شخصی» افراد (قواعد فقهی نظیر احترام به مالکیت‌های شخصی و حرمت اموال افراد).

در نهایت تأمین و تحقق هر یک از مشخصه‌های حیاتی ترتیبات پولی هدف خود مستلزم تعریف اصول موضوعه و قواعدی حاکم بر نظام پولی به شرح زیر است:

۱) یکپارچگی پولی در اقتصاد: تنها یک نوع پول (پول بیرونی/حاکمیتی) در اقتصاد وجود خواهد داشت.

۲) تناسب و تناظر پویا بین تغییرات بخش پولی و بخش واقعی: تغییرات حجم پول متناظر و مقارن با تغییرات بخش واقعی در اقتصاد صورت می‌پذیرد (قاعده پولی اصلی که اجرایی کردن آن مستلزم حل معمای شیوه تخصیص درون‌زای پول جدید خارج از سازوکار معیوب تسهیلات‌دهی خواهد بود).

۳) درون‌زایی مطلق پولی: در ترتیبات پولی هدف، تغییرات و انگیزه‌های حاکم در بخش واقعی اقتصاد است که محرک تغییرات بخش پولی می‌شود. از این‌رو لازم است دینامیزم خلق و محو پول مبتنی بر فرایندی ضابطه‌مند و درون‌زا تنظیم و تعریف گردد؛ نه مبتنی بر رویکرد صلاح‌دیدی و دستوری که در سایر طرح‌های پولی نظیر رویکرد هدف‌گذاری نرخ بهره، نرخ بیکاری یا کل‌های پولی وجود دارد یا رویکرد توسعه‌دهی از طریق تسهیلات‌دهی.

۴) جلوگیری از انباشت بدهی/ریسک در اقتصاد: این مهم با ممنوعیت سپرده‌پذیری بانک‌ها (در تجهیز منابع بانکی) و اعطای

تسهیلات بانکی (در تخصیص منابع بانکی) و در یک کلام حذف قراردادهای بدون ریسک از نظام پولی- مالی با هدف جلوگیری از انباشت ریسک تأمین شده است.^۱ البته قراردادهای فروش اقساطی یا مرابحه در سطح محدود (برای خرید خودرو و تجهیزات) و نه از محل خلق پول جدید می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

۵) **بازار سرمایه محور شدن تأمین مالی در اقتصاد:** حتی در شرایطی که تأمین مالی یک طرح یا بنگاه اقتصادی خرد یا کلان از محل خلق پول جدید صورت می‌گیرد، بستر آن را باید بازار سرمایه تأمین کند؛ چراکه تأمین مالی تولید و توسعه در این مدل با شرایط رقابتی و نرخ‌های غیردستوری و تنها از طریق خرید اوراق مالی و مشارکت در سود و زیان ممکن خواهد بود.

۶) **تأمین مالی حداکثری و پایدار تولید و رشد اقتصادی:** با شمول مالی حداکثری و دسترسی ضابطه‌مند، سهل و پایدار به تأمین مالی برای فعالیت‌های اقتصادی در بستر نرخ‌های طبیعی و رقابتی، تولید حقیقی هیچ‌گاه از دسترسی به منابع مالی موردنیاز محروم نخواهد بود و هرگونه فرصت تولید ارزش افزوده واقعی و پایدار در اقتصاد با نرخی منطقی و به‌راحتی تأمین مالی می‌شود.

۷) **تخصیص عواید و ارزش افزوده حاصل از خلق پول جدید به عموم:** از آنجا که هرگونه خلق پول جدید منجر به بهره‌گیری از مواهب موجود در اقتصاد می‌شود که به اعضای جامعه تعلق دارد، اصل «صیانت از حقوق مالکیت افراد» حکم می‌کند که ارزش افزوده حاصل از این خلق پول جدید نیز به عموم تعلق یابد. این

^۱ این ملاحظه همچنین مسئله خلق پول از طریق افزایش سرعت در گردش پول را مرتفع می‌نماید. ضمن اینکه با فرض تحقق چنین شرایطی در اقتصاد نرخ عایدی انتظاری از فعالیت‌های اقتصادی جای نرخ بهره را خواهد گرفت.

مهم می‌تواند از طریق اعطای اعتبار مالیاتی یکسان به همه افراد یا تخصیص مستقیم منابع حاصل برای تضمین معیشت حداقلی و کرامت برای آحاد جامعه صورت گیرد.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مجموع، تحقق هدف‌هایی همچون «ثبات پایدار در اقتصاد و سطح قیمت‌ها»، «کارآمدی اقتصادی»، «حفظ حقوق مالکیت و آزادی افراد» و «عدم ایجاد آثار توزیعی» در الگوی تمدنی حکمرانی و نظام پولی، مستلزم تأمین دو شرط کلی زیر است:

۱. تغییر از نظام پولی دولایه [پول درونی-پول بیرونی] به سمت نظام پولی یکپارچه؛

۲. تمرکززدایی و حذف امکان تصمیم‌گیری و دخالت‌های دستوری در انتشار و حجم پول (کل‌های پولی)^۱.

شرط نخست در برخی مطالعات حامی ایده پول حاکمیتی مورد توجه قرار گرفته و در توضیح عدم کفایت تعیین نرخ ذخیره ۱۰۰٪ در نظام بانکی متعارف در این مطالعه نیز تبیین شده است، اما به شرط دوم توجه چندانی نشده و تأمین آن نیازمند طراحی سازوکار و رویه‌های خودتنظیم‌گری است تا بتواند این مهم را تأمین کند. در این مسیر آنچه حیاتی است صیانت از قاعده پولی معرفی شده، یعنی «تناسب درون‌زا بین تغییرات بخش پولی و بخش واقعی اقتصاد در همه ادوار» به منظور تأمین ثبات قیمت‌ها و نرخ‌های تعادلی در اقتصاد در بلندمدت است. در کنار آن نیز با «جلوگیری از انباشت ریسک/بدهی در اقتصاد» از طریق «بازار سرمایه‌محور شدن تأمین مالی» می‌توان به مقصود تأمین مالی اصولی، حداکثری و پایدار برای تولید دست یافت؛ ضمن اینکه عواید حاصل از سرمایه‌گذاری پول خلق‌شده جدید در فعالیت‌های مولد ارزش افزوده واقعی در اقتصاد را که با نرخ بازاری حاصل می‌شود، به صاحبان واقعی آن، یعنی آحاد جامعه، به‌ویژه اقشار فاقد تمکن کافی اختصاص داد.

پیشنهاد می‌شود برای تکمیل نتایج پژوهش حاضر، به مطالعاتی حول مسائل زیر پرداخت:

^۱ Monetary Aggregates

- در چه شرایط و با چه ترتیباتی، در نظام مبتنی بر پول درونی (نظام پول طبیعی) می‌توان شاخصه‌های بیان‌شده را تأمین کرد؟
- تأمین این شاخصه‌ها در بستر نظام مبتنی بر پول بیرونی (نظام پول حاکمیتی) تا چه حد و چگونه امکان‌پذیر است؟

فهرست منابع

- باستانی‌فر، ایمان؛ حیدری، محمدرضا؛ مقدم، وحید (۱۳۹۵). الگوی خلق اعتبار در بانکداری اسلامی متأثر از اندیشه شهید صدر. اقتصاد اسلامی؛ ۱۶ (۶۱)، ۱۳۷-۱۵۵.
- بخشی دستجردی، رسول (۱۳۹۵). نقدی بر قدرت خلق پول در بانکداری متعارف به سوی استقرار یک الگوی پولی مطلوب در اقتصاد اسلامی. دومین کنفرانس ملی رویکرد بانکداری اسلامی در تحقق اقتصاد مقاومتی.
- بخشی دستجردی، رسول؛ طالب باغبانی، محمدرضا. مجاهدی‌مؤخر، محمدمهدی؛ احمدنیا، محمدصالح (۱۳۹۸). نگرش پویایی سیستم به اثر خلق پول بانکی بر تورم در اقتصاد ایران. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، (۸۹)، ۹۹-۱۳۷.
- توتونچیان، ایرج (۱۳۷۹). پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه داری. تهران: توانگران.

- توسلی، محمداسماعیل (۱۳۹۷). تحلیل ماهیت پول و بنیان‌های اعمال سیاست پولی در اقتصاد اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسینی دولت‌آبادی، سید مهدی (۱۳۹۴). ترتیبات خلق پول از منظر اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی با تأکید بر نرخ ذخیره قانونی. رساله دکتری دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- خوشخوی، مهدی (۱۴۰۰). تحلیل آثار ترتیبات خلق پول اعتباری سازگار با مبانی اسلامی بر متغیرهای کلان اقتصاد ایران، رهیافت DSGE. رساله دکتری دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- درودیان، حسین (۱۳۹۴). خلق پول، درون‌زایی پول و مختصات نظام خلق پول در الگوی بدیل. رساله دکتری دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- دلالی اصفهانی، رحیم؛ برزانی، محمدواعظ؛ قیاسوند، محمدسعید (۱۳۸۶). قاعده فریدمن در تعیین مقدار بهینه پول. مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، ۲۶ (۵)، ۳۵-۴۸.
- سبحانی، حسن؛ درودیان حسین (۱۳۹۵). ارزیابی توجیه‌پذیری خلق پول به‌وسیله سیستم بانکی در نظام بانکداری اسلامی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۱۶ (۶۴)، ۵۴-۳۱.
- صمصامی، حسین؛ کیان‌پور، فرشته (۱۳۹۴). بررسی امکان خلق پول توسط نظام بانکی در نظام مالی اسلامی. معرفت اقتصاد اسلامی، (۱۳)، ۱۰۹-۱۳۰.
- قحف، منذر (۱۳۷۶). مروری بر اقتصاد اسلامی. ترجمه عباس عرب مازار. تهران: سازمان برنامه بودجه.
- عیسوی، محمود؛ مجاهدی‌مؤخر، محمدمهدی؛ خادم‌علیزاده، امیر؛ آقاجانی، معصومه (۱۳۹۸). چارچوب نظری عرضه پول (مقایسه تطبیقی اقتصاد متعارف و اقتصاد با رویکردی اسلامی). فصلنامه راهبرد اقتصادی، (۲۸)، ۲۰۴-۱۷۵.
- مجاهدی‌مؤخر، محمدمهدی؛ دلالی اصفهانی، رحیم؛ صمدی، سعید؛ بخشی‌دستجردی، رسول (۱۳۹۰). مدل‌سازی الگوی رفتار بین نسلی از عملکرد بانکداری ذخیره جزئی با تأکید بر رهیافت موریس آله. تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، ۲ (۵)، ۴۷-۷۴.
- مجاهدی‌مؤخر، محمدمهدی؛ دلالی اصفهانی، رحیم؛ صمدی، سعید؛ بخشی‌دستجردی، رسول (۱۳۹۲). بررسی دیدگاه غربی و رویکرد اسلامی به ارتکاز ذهنی از ماهیت پول و اعتبار. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، (۶۵)، ...

- ملکی، منصور (۱۳۹۳). تبیین کارکردها و ترتیبات نهادی بانکداری مرکزی اسلامی. رساله دکتری دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- موسویان، سید عباس؛ نظری، علی (۱۳۹۲). الگوی مطلوب ذخیره قانونی در بانکداری اسلامی. اقتصاد و بانکداری اسلامی، (۲) ۲، ۷-۲۶.
- میرآخور، عباس (۱۳۷۳)، نظریه نظام مالی اسلامی، چاپ شده در مقالاتی در اقتصاد اسلامی (روش اسلام در حل مسائل اقتصادی، گردآوری توسط باقر حسنی و عباس میرآخور، ترجمه حسن گلریز، تهران: مؤسسه بانکداری ایران).
- میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۴). الگوی ذخایر سپرده‌های بانکی در بانکداری اسلامی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، (۵) ۱۷، ۴۵-۸۴.
- نعمتی، علی (۱۴۰۰). مبانی فلسفی و روش‌شناختی و قواعد فقهیه نظام پولی اسلام. رساله دکتری دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی.
- Al-Jarhi, Mabid; (2004). "Banking Crises: What Chicago And Islam Have in Common: A Comment"; Islamic Economic Studies, 11 (No. 2).
- Anwar, M, (2000), "Islamicity of banking and modes of Islamic banking", Arab LQ, N. 18, p. 62.
- Umer Chapra, Muhammad. (January 1, 1985). Towards A Just Monetary System. Islamic Foundation UK.
- Friedman, M. (1969), The Optimum Quantity of Money and Other Essays. Aldine Publishing Company, Hawthorne. New York.
- Griffin, G. Edward. (September 11, 2010); The Creature from Jekyll Island: A Second Look at the Federal Reserve; American Media, 5th edition.
- Hasan, Zubair, (2008), "Credit creation and control: An unresolved issue in Islamic banking", International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management, Vol. 1, N. 1, p. 69 – 81.
- Hasan, Zubair, (2011), "Money creation and control from Islamic perspective", Journal of Islamic Business and Management, Vol .1, N. 1, p. 49-68.
- Hulsmann, Jorg Guido. (2008); The Ethics of Money Production; Createspace Independent Pub.

- Humphrey, Thomas M. (1976); A Monetarist Model of World Inflation and the Balance of Payments, *Economic Review*, Nov/Dec.
- Khan, M. (1986), *Islamic Interest-Free Banking: A Theoretical Analysis*, Staff Papers (International Monetary Fund), Vol. 33, No. 1, pp. 1-27.
- Laidler, D. (1992), *Bullionist Controversy*, in the *New Palgrave Dictionary of Money & Finance*, edited by Newman, P. and et al, London: the Macmillan Press Limited, Vol. I, pp. 255-261.
- McLeay, M., Radia, A., & Thomas, R. (2014), Money creation in the modern economy. *Bank of England Quarterly Bulletin*, Q1.
- Meera, A. & Larbani, M. (2009) "Ownership effects of fractional reserve banking: an Islamic perspective", *Humanomics*, Vol. 25 Iss: 2, pp.101 – 116.
- Sani. M.D, Arfah, Ahamed Kameel Meera, A. Aziuddin, (2012). *Fractional Reserve Banking and Maqasid al-shariah, An incompatible Practice*, May 31, Available at: SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2071164> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2071164>.
- Siddiqi, M. Nejatullah, (1992). "Impact of Islamic Modes of Finance on Monetary Expansion", *Journal of King Abdulaziz University: Islamic Economics*, Vol. 4, N. 1, p. 37-46.
- Sutton, Antony C. (February 5, 2014), *The Federal Reserve Conspiracy*, Dauphin Publications Inc.
- Umer Chapra, Muhammad. (January 1, 1985). *Towards A Just Monetary System*. Islamic Foundation UK.
- Werner, Recharad A. (2014), Can banks individually createmoney out of nothing? — The theories and the empirical evidence, *International Review of Financial Analysis* 36: 1–19.